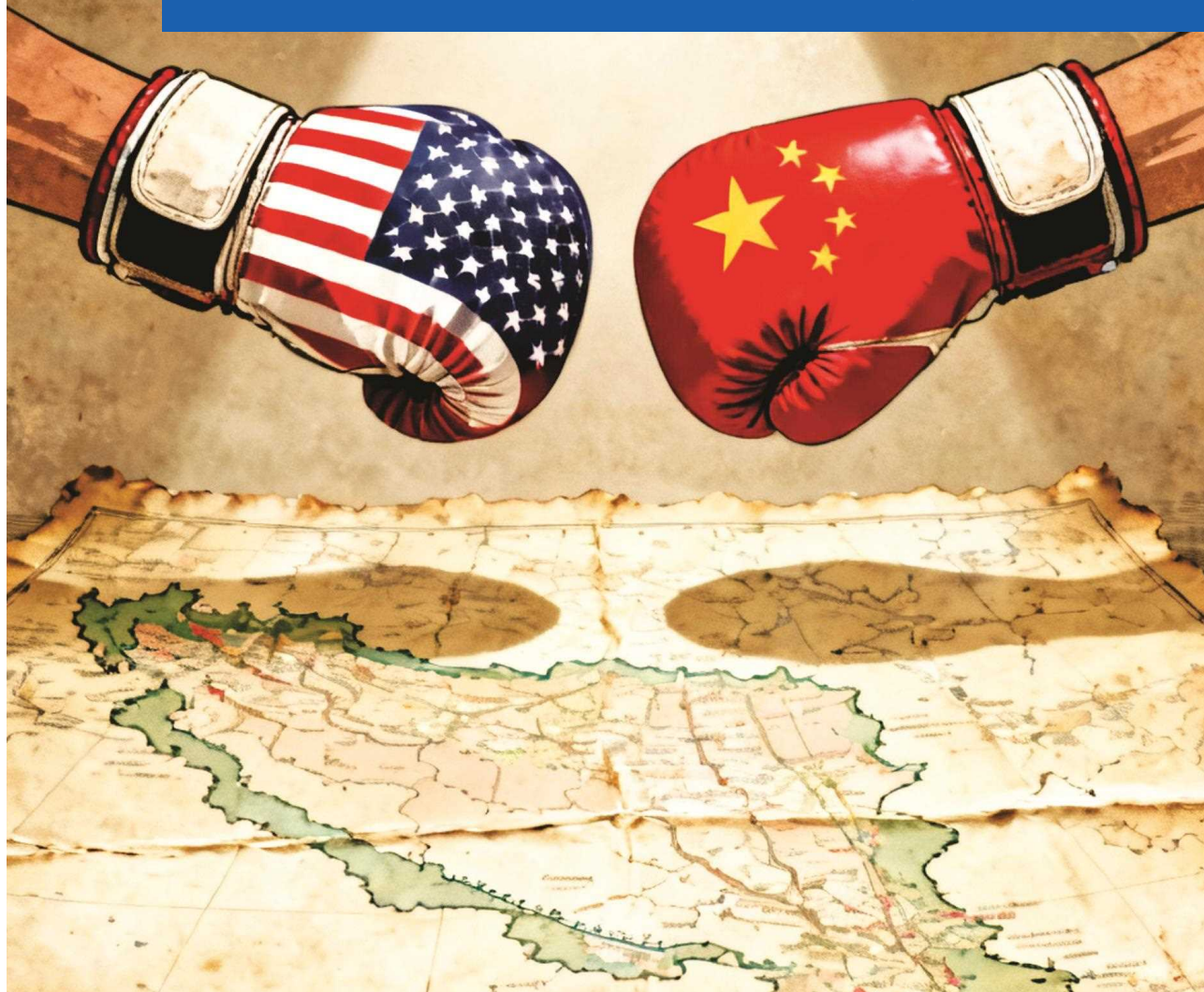


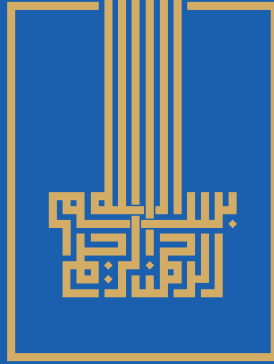


تشدید رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین

در حوزه پیرامونی ایران:

تهدیدها و فرصت‌ها برای ایران با توجه به جنگ رمضان







مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

تشدید رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین در حوزه پیرامونی ایران:

تهدیدها و فرصت‌ها برای ایران با توجه به جنگ رمضان

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی)

تاریخ انتشار: اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

واژه‌های کلیدی: درگیری، آمریکا، چین، رقابت منطقه‌ای، سند جدید راهبرد

امنیت ملی آمریکا، خفگی استراتژیک، چندقطبی شدن، کشورهای حوزه خلیج

فارس

شناسه یکتا: RC-1405-MEF-E2-PP-1192

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

آدرس مرکز پژوهش‌ها در شبکه‌های اجتماعی:

Instagram: @rc.iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima

تشدید رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین در حوزه

پیرامونی ایران:

تهدیدها و فرصت‌ها برای ایران با توجه به جنگ

رمضان



مركز پژوهش‌های اتاق ایران

اردیبهشت ۱۴۰۵



خلاصه مدیریتی



این گزارش با مبنا قرار دادن رقابت اجتناب‌ناپذیر آمریکا و چین و تغییر ماهیت این رقابت از ژئواستراتژیک به ژئواکونومیک در حوزه پیرامونی ایران (خاورمیانه و آسیای مرکزی)، به تحلیل تهدیدها و فرصت‌های ایران می‌پردازد. سند راهبرد امنیت ملی آمریکا (۲۰۲۵) نشان‌دهنده گذار به از رویکرد امنیت‌محور به رویکرد اقتصادمحور با تأکید بر دوستی، مشارکت و سرمایه‌گذاری در خاورمیانه است. در مقابل، راهبرد چین نیز ذاتاً ژئواکونومیک بوده و هدف آن تأمین انرژی، اتصال کریدورها و گسترش بازارهاست. این تشدید رقابت، اکوسیستم ژئواکونومیک پیرامون ایران را دگرگون کرده و جنگ رمضان (۲۰۲۶) به عنوان یک شوک بیرونی، روندهای موجود را شتاب بخشیده است.

پیامدهای کلیدی جنگ رمضان

- انسداد تنگه هرمز: ایران با مسدودسازی این شاهراه انرژی، قیمت نفت برنت را به بالای ۱۰۰ دلار رسانده، اما در مقابل، کشورها به سمت توسعه کریدورهای خشکی محور حرکت کرده‌اند که تهدیدی بلندمدت برای نقش ترانزیتی ایران است.

- بحران کود و امنیت غذایی: عبور یک‌سوم اوره جهان از تنگه هرمز مختل شده و سازمان ملل هشدار داده که ۴۵ میلیون نفر به جمعیت گرسنه حاد اضافه خواهند شد. کشورهای آفریقایی و آسیایی بیشترین آسیب را می‌بینند.

- فلج شدن گردشگری: خاورمیانه روزانه ۶۰۰ میلیون دلار ضرر می‌کند و پیش‌بینی کاهش ۲۰ میلیون گردشگر و ۳۵ میلیارد دلار خسارت در سناریوی دو ماه تعطیلی حریم هوایی وجود دارد.

- تسریع دلارزدایی: کمبود دسترسی به دلار در امارات و دیگر کشورها، تمایل به استفاده از یوان را افزایش داده و پیمان‌های پولی دوجانبه چین گسترش یافته است.



- آسیب به زیرساخت‌های دیجیتال: حملات به مراکز داده در ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، تسلیحاتی شدن زیرساخت‌های ابری را آشکار ساخته و بازسازی آن احتمالاً با محوریت شرکت‌های چینی انجام خواهد شد.

- افزایش نقش انرژی تجدیدپذیر: بی‌ثباتی مسیرهای دریایی، سرمایه‌گذاری جهانی در انرژی پاک را شتاب داده؛ چین با برتری در پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی، برنده بلندمدت این تحول خواهد بود.

تهدیدهای اصلی برای ایران

- دور زدن ژئوپلیتیک: توسعه کریدور میانی (چین-قزاقستان-آذربایجان-گرجستان-اروپا) و پروژه‌هایی مانند راه‌آهن چین-قرقیزستان-ازبکستان، مزیت کریدوری ایران را تضعیف می‌کند.

- کاهش مزیت بنادر جنوبی ایران در شبکه کریدوری شمال - جنوب: احتمال خروج هند از پروژه توسعه بندر چابهار و واگذاری سهام به شرکت‌های ایرانی.

- همکاری چین و عربستان: سرمایه‌گذاری‌های هنگفت چین در پارک صنعتی جیزان و انرژی‌های تجدیدپذیر عربستان، قدرت چانه‌زنی ایران را در فروش نفت و جذب سرمایه از چین کاهش می‌دهد.

- تحریم‌های ثانویه و ریسک‌زدایی شرکت‌های چینی: شرکت‌های بزرگ چینی مانند هواوی برای حفظ بازارهای غربی از ایران دوری می‌کنند و منطق اقتصادی بر همسویی سیاسی غلبه دارد.

- نفوذ آمریکا در شمال ایران: توافق صلح آذربایجان-ارمنستان با میانجیگری آمریکا و پروژه‌های انرژی و امنیت دریایی، نفوذ واشنگتن را در حوزه قفقاز افزایش داده است.

فرصت‌های بالقوه برای ایران

- کریدور جایگزین: ایران می‌تواند با تکیه بر کریدور شمال-جنوب (دریای خزر) و اتصال به کشورهای آسیای مرکزی، دسترسی به کالاهای اساسی (گندم، روغن، گوشت) را تضمین کند و خود را به عنوان نقطه اتصال شرق-غرب و شمال-جنوب



معرفی نماید.

- نهادهای چندجانبه: عضویت در شانگهای، بریکس و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی (AIIB) - در صورت تنظیم کنش‌های سیاست خارجی با رویه‌های این نهادها - می‌تواند دسترسی به سرمایه و فناوری را تسهیل کند.

- چانه‌زنی نامتقارن: اگر ایران پروژه‌های خود را در قالب شبکه کلان طرح کمربند و راه تعریف کند، می‌تواند قدرت چانه‌زنی بیشتری در تعامل با چین داشته باشد (مانند الگوی اندونزی در برابر چین).

- انرژی‌های تجدیدپذیر: با توجه به مزیت چین در صنعت سبز، ایران می‌تواند در پروژه‌های مشترک انرژی بادی و خورشیدی با کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس مشارکت کند.

توصیه‌های راهبردی و عملیاتی

الف) راهبرد کلان ژئواکونومیک

- تدوین «سند ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا» با مشارکت اتاق بازرگانی ایران.
- پذیرش راهبرد «پوشش ریسک ژئواکونومیک» (متنوع‌سازی شرکای تجاری و اجتناب از وابستگی به یک بلوک).
- تعریف ایران به عنوان «بازیگر ثالث فعال» در رقابت آمریکا و چین، نه متحد بلوکی.
- اولویت دادن به منافع تجاری ملموس در سیاست همسایگی.

ب) کریدورها، ترانزیت و لجستیک

- فعالسازی فوری بنادر انزلی، نوشهر و امیرآباد در دریای خزر برای واردات کالای اساسی از کشورهای آسیای مرکزی و روسیه.
- جذب سرمایه برای پروژه‌های خشکی پایه در مرزهای شمالی با هدف اتصال به کریدورهای چین.
- بهره‌گیری هوشمندانه از اهرم تنگه هرمز بدون افتادن در تله جایگزینی دائمی آن از طریق مسیرهای زمینی.



- اصلاح مقررات گمرکی و ترانزیتی منطبق با استانداردهای آسیای مرکزی و ترکیه.
- تشکیل کنسرسیوم‌های لجستیکی ایرانی - منطقه‌ای در همکاری با ترکیه، قزاقستان، آذربایجان.

ج) مالی، ارزی و نظام پرداخت

- توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه با چین، روسیه، ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی.
- نهادینه‌سازی استفاده از ارزهای محلی در تجارت با دستورالعمل شفاف برای بخش خصوصی.
- ایجاد اتاق پایاپای (تهاتری) منطقه‌ای برای تسهیل مبادلات تحت فشار تحریم.
- جذب بانک‌های غیرغربی به مناطق آزاد ایران.

د) انرژی، صنعت و اقتصاد سبز

- گذار تدریجی از مزیت صرف نفتی به مزیت لجستیکی حوزه انرژی مانند سواپ، ذخیره‌سازی، خدمات فنی.
- سرمایه‌گذاری مشترک منطقه‌ای در انرژی‌های تجدیدپذیر با همکاری چین.
- ورود فعال به زنجیره ارزش سبز در حوزه باتری‌ها و پنل‌های خورشیدی و پایه‌گذاری شبکه‌های هوشمند انرژی.
- حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان انرژی‌محور برای حضور در پروژه‌های غیرتحریمی.

ه) نهادسازی و دیپلماسی اقتصادی

- نقش‌آفرینی فعال اتاق بازرگانی در تعاملات ایران با بریکس و شانگهای.
- ایجاد دفاتر دائمی تجاری ایران در آسیای مرکزی و قفقاز با مدیریت مشترک دولت و بخش خصوصی.
- دیپلماسی اقتصادی فعال با قدرت‌های میانی مانند ترکیه، هند، عربستان،



امارات بر مبنای منطق پوشش ریسک.

- استفاده از ظرفیت بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی برای بازسازی پساجنگ و توسعه زیرساخت‌های کریدوری.

ایران در صورت اتخاذ رویکردی فعال و هوشمندانه - مبتنی بر پوشش ریسک، فعال‌سازی کریدورهای شمالی، اصلاح مقررات و بهره‌گیری از نهادهای چندجانبه - می‌تواند رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین را به فرصتی برای افزایش اهرم و گزینه‌های راهبردی تبدیل کند؛ در غیر این صورت، قربانی انزوای ژئوپلیتیک خواهد شد.



مقدمه



بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان واقع‌گرای روابط بین‌الملل مانند جان مرشایمر رقابت و درگیری آمریکا و چین اجتناب‌ناپذیر است. مطابق این رویکرد واقع‌گرا، چین در حال تلاش برای تسلط بر آسیا و آمریکا در صدد حفظ هژمونی خود بر آسیای شرقی است و با ظهور هژمونی چین در این منطقه مخالف است. از نظر مرشایمر نتیجه این وضعیت، درگیری اجتناب‌ناپذیر آمریکا و چین و تحقق تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ است.^۱

از نظر کوپچان اگرچه به دلیل وابستگی متقابل آمریکا و چین، روابط این دو کشور در آینده نزدیک فراتر از رقابت منطقه‌ای نخواهد رفت، اما جاه‌طلبی چین برای تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای، در تضاد با خواست آمریکا برای حفظ برتری راهبردی در جنوب شرق آسیا است و این وضعیت می‌تواند بسیار شبیه رقابت دریایی انگلستان و آلمان در اوایل قرن بیستم باشد.^۲ جان ایکنبری هم بر این نظر است که با وجود اینکه آمریکا و چین بر سر قواعد و نهادهای نظم بین‌الملل در حال رقابت هستند، اما این رقابت به شکل رقابت ایدئولوژیک تمام عیار بر سر دو تصویر کاملاً متفاوت از نظم بین‌المللی آن‌گونه که در طول جنگ سرد بین آمریکا و شوروی وجود داشت در نخواهد آمد.^۳

برخلاف تلاش‌های قدرت‌های غربی برای جهانی‌سازی ارزش‌ها و اصول خود، چین عمدتاً در صدد توسعه بازارها و صادرات کالاهای خود خواهد بود و نه لزوماً ارزش‌ها و ایده‌های چینی. چین اصولاً از تکثرگرایی در نظم‌های منطقه‌ای دفاع می‌کند و تمایل

1. Mearsheimer, John J. (2021): *The Inevitable Rivalry. America, China, and the Tragedy of Great-Power Politics*. In *Foreign Affairs Magazine*, 2021 (10/19/2021). Available online at <https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2021-10-19/inevitable-rivalry-cold-war>, checked on 11/21/2021.

2. Kupchan, Charles A. (2014): *The Normative Foundations of Hegemony and The Coming Challenge to Pax Americana*. In *Security Studies* 23 (2), pp. 219–257. DOI: 10.1080/09636412.2014.874205. .. pp. 254-256

3. Ikenberry, G. John; Wang, Jisi; Zhu, Feng (Eds.) (2015): *America, China, and the struggle for world order. Ideas, traditions, historical legacies, and global visions*: Palgrave Macmillan (Asia today)., p. 4.



دارد که صلاحیت امور را به نهادهای منطقه‌ای واگذار کند تا این مناطق، امور خود را بر اساس هنجارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود هدایت کنند. این چندقطبی شدن و تنوع هنجاری در عرصه بین‌المللی، نویدبخش شکل‌گیری نظام بین‌الملل منطقه‌ای شده است که در آن، قدرت‌های منطقه‌ای انتخاب‌های مختلف برای تعامل اقتصادی و تجاری خواهند داشت. بنابراین رقابت آمریکا و چین در مناطق مختلف، عمدتاً از جنس رقابت ژئواکونومیک خواهد بود تا ایدئولوژیک. ایران یکی از بازیگران مهم و با ظرفیت بالا در این فضای ژئواکونومیک نوظهور است. شکل‌گیری این فضای ژئواکونومیک در حوزه پیرامونی ایران شامل خاورمیانه و آسیای مرکزی، برای ایران تهدیدها و فرصت‌هایی را ایجاد کرده است و هدف این گزارش، بررسی این تهدیدها و فرصت‌های ناشی از رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین در حوزه پیرامونی ایران است.

بر اساس سند جدید راهبرد امنیت ملی آمریکا، رویکرد این کشور نسبت به حوزه پیرامونی ایران دچار تغییرات جدی شده است. این تغییرات نه تنها نسبت به راهبرد دولت بایدن (۲۰۲۲) بلکه نسبت به راهبرد دولت اول ترامپ (۲۰۱۷) نیز قابل ملاحظه است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تغییر در راهبرد جدید، گذار از رویکرد ژئواستراتژیک به رویکرد ژئواکونومیک به مناطق پیرامونی ایران است. بررسی واژگان و گفتمان مورد استفاده در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا (۲۰۲۵) درباره منطقه خاورمیانه، نشانگر پررنگ شدن تدریجی نگاه ژئواکونومیک و تأکید بیشتر بر منافع اقتصادی است. در این سند، خاورمیانه از منظر مفاهیمی مانند دوستی، مشارکت و سرمایه‌گذاری نگریسته شده است. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که نوع کنشگری آمریکا در حوزه پیرامونی ایران، رنگ و بوی اقتصادی بیشتری پیدا خواهد کرد.

در کنار آمریکا، راهبرد بلندمدت چین در مناطق پیرامونی ایران، از دیرباز ماهیت ژئواکونومیک داشته است. خاورمیانه و آسیای مرکزی تامین‌کننده بخش بزرگی از منابع انرژی مورد نیاز اقتصاد رو به رشد این کشور و همین‌طور حلقه واسط برای اتصال گذرراه‌های راهبردی ابرپروژه کمربند و راه برای دسترسی به بازارهای اروپاست. اگر چرخش دولت ترامپ به سمت نیمکره غربی و در نتیجه کاهش تدریجی نفوذ ژئواکونومیک چین در آمریکای مرکزی و جنوبی را اجتناب‌ناپذیر بدانیم، می‌توان انتظار داشت که حضور و نفوذ اقتصادی چین در سایر مناطق جهان از جمله خاورمیانه و آسیای مرکزی، افزایش تدریجی خواهد داشت. در نتیجه شاهد تشدید رقابت‌های

ژئواکونومیک آمریکا و چین در حوزه‌های پیرامونی ایران خواهیم بود.

کنشگری آمریکا در حوزه پیرامونی ایران به سمت کنشگری اقتصادی تر و در اقتصاد به سمت منافع متنوع‌تر حرکت می‌کند. این کنشگری هم به شکل سلبی ممکن است برای ایران تهدیدزا و منجر به خفگی استراتژیک ایران تلقی شود و هم می‌تواند به شکل ایجابی برای ایران فرصت‌آفرین باشد و منجر به افزایش گزینه‌های کنشگری ایران شود. چین با نقش‌آفرینی ژئواکونومیک جدیدی از سوی آمریکا مواجه خواهد بود و ممکن است امتیازات اقتصادی بیشتری به شرکای اقتصادی و تجاری خود در منطقه ارائه دهد تا بتواند در رقابت ژئواکونومیک با آمریکا دست برتر را داشته باشد.

بر این اساس، اکوسیستم ژئواکونومیک پیرامونی ایران دستخوش تغییرات معناداری خواهد شد و در نتیجه، این پرسش ضرورت پیدا می‌کند که تشدید رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین در حوزه پیرامونی ایران چه تهدیدها و فرصتهایی برای ایران پدید می‌آورد؟ گرچه ایران و چین توافقنامه همکاری ۲۵ ساله امضا کرده‌اند، اما تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران مانع روابط اقتصادی گسترده دو کشور به خصوص در حوزه سرمایه‌گذاری است و حتی آمریکا از همه ابزارهای خود در جهت محدودسازی تجاری ایران و چین به خصوص صادرات نفت ایران به چین استفاده می‌کند. برای مثال، در ژانویه ۲۰۲۶، آمریکا تحریم‌های جدیدی بر ناوگان سایه‌ایران اعمال کرد که هدف آن محدود کردن صادرات نفت ایران به چین و کاهش درآمدهای ایران است. این تحریم‌ها بیش از ۸۷۵ فرد، کشتی و هواپیما را هدف قرار داده و شامل تحریم‌های اجرایی تحت دستور اجرایی ۱۳۹۰۲ برای بخش‌های مالی، نفتی و پتروشیمی ایران می‌شود. آمریکا همچنین توان نظامی‌اش در خلیج فارس تقویت کرده و فروش تسلیحات به کشورهای عربی را افزایش داده است. این اقدامات منجر به بی‌ثباتی منطقه‌ای در خلیج فارس و ناامنی برای مسیرهای انرژی شده است. در کنار این تهدیدها، فرصتهایی نیز وجود دارد که در صورت وجود هوشمندی لازم برای بهره‌مندی از آنها، می‌توان چشم‌انداز منفی کنونی را تا حدی برطرف کرد؛ از جمله اینکه ایران می‌تواند جایگاه خود را به عنوان یکی از دروازه‌های تجارت فرامنطقه‌ای در خاورمیانه و آسیای مرکزی پیدا کند و در این راستا، از ابرپروژه کمربند راه برای بهبود زیرساخت‌ها و تجارت غیرنفتی خود بهره‌برد و با استفاده از ظرفیت‌های نهادهایی مانند بریکس و شانگهای، محدودیت‌ها و موانع تعاملات اقتصادی با کشورهای مختلف را کاهش دهد.



درست است که تحریم‌ها مانع بهره‌برداری کامل ایران از ظرفیت‌های ابتکار کمربند راه شده‌اند، اما این امر به معنای فقدان قابلیت ژئواکونومیک ایران یا بی‌اعتباری راهبرد اتصال‌گرایانه آن نیست. اگرچه تحریم‌ها بر ضد ایران منجر به محدودیت‌های جدی بر سر تعاملات ایران با جهان پیرامون شده است، اما ظرفیت ساختاری و امکانات راهبردی ایران برای ایفای نقش ترانزیتی و تجاری همچنان باقی است. نهادهایی مانند بریکس و شانگهای نیز نه به‌عنوان راه‌حل مطلق، بلکه به‌مثابه ابزار کاهش هزینه‌های تعامل اقتصادی ایران قابل ارزیابی است.

در عین حال باید توجه داشت که استفاده از ظرفیت‌های ایران در چارچوب پروژه‌های کمربند راه لزوماً به معنای بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری‌های هنگفت چین نیست، بلکه بالفعل‌سازی این ظرفیت‌ها منوط به هماهنگی مقرراتی به‌خصوص در حوزه گمرکی و هم‌افزایی توان لجستیکی کشورهاست که تاثیرپذیری چندانی از تحریم‌ها ندارد. ضمن اینکه تجربه کشورهای دیگر مانند روسیه تحت تحریم نشان می‌دهد که می‌توان از طریق مکانیزم‌های پرداخت مبتنی بر ارزهای ملی و ترتیبات تهاثری تحریم‌ها را دور زد.

پیش از پرداختن به سیاست‌ها و رقابت‌های آمریکا و چین در مناطق پیرامونی ایران، ابتدا باید مروری بر نقش و جایگاه کشورهای ثالث مانند ایران در میدان رقابت این دو ابرقدرت داشته باشیم.

نقش بازیگران ثالث در رقابت آمریکا و چین

نقش بازیگران ثالث در رقابت قدرت‌های بزرگ به طور عام و رقابت آمریکا و چین به طور خاص موضوعی پیچیده و چندوجهی است و مفهوم‌پردازی‌های متنوعی برای آن ارائه شده است. برخی نظریه‌پردازان، نقش بازیگران ثالث را در دو حالت بررسی کرده‌اند؛ رقابت محدود میان قدرت‌های بزرگ^۱ و همکاری محدود قدرت‌های بزرگ^۲. در رقابت محدود، بازیگر ثالث به سمت ائتلاف تدافعی یا تهاجمی با یکی از قدرت‌ها حرکت می‌کنند یا با هیچ قدرتی متحد و مؤتلف نمی‌شوند. ائتلاف با توجه به ارزیابی توازن قدرت یا ملاحظات ایدئولوژیک یا هر دوی آنها صورت می‌گیرد. در جنگ سرد و رقابت محدود آمریکا و شوروی در دهه ۱۹۶۰، اکثر کشورهای اروپایی، ائتلاف با آمریکا یعنی قدرت محافظه‌کار را در پیش گرفتند، چین با هیچ قدرتی

1. restrained rivalry

2. limited cooperation



ائتلاف نکرد و فرانسه تلاش کرد آمریکا را در ناتو به چالش بکشد. اما در همکاری محدود قدرت‌های بزرگ، قدرت مانور زیادی برای بازیگران ثالث باقی نمی‌ماند و آنها دو راه را در پیش دارند: مخالفت با رابطه قدرت‌های بزرگ: مانند نقش چین در دوران تنش‌زدایی آمریکا و شوروی، یا موافقت با رابطه قدرت‌های بزرگ.^۱

برخی دیگر از نظریه‌پردازان، از طیفی از راهبردهای مختلف برای مواجهه با رقابت قدرت‌های بزرگ صحبت کرده‌اند که شامل راهبرد پنهان شدن،^۲ محافظ طلبی،^۳ پوشش ریسک^۴ و چندمحوری^۵ و عمل‌گرایی تهاجمی^۶ است. پنهان شدن به معنای بی‌طرفی و بی‌میلی به سیاست قدرت‌های بزرگ است؛ در دوقطبی، قدرت کوچک نقش میانجی دارد و می‌تواند جایگاه خود را ارتقا دهد، اما در چندقطبی، آسیب‌پذیری دولت کوچک بالا می‌رود چرا که ائتلاف‌های متغیر، ضعف نهادهای بین‌المللی و نبود همکاری‌های بین‌المللی اجازه نقش‌آفرینی به آن را نمی‌دهد و در بدون قطب، ناامنی شدید برای قدرت کوچک وجود دارد که یا خودش را در میانه رقابت منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ می‌بیند یا در حاشیه بازیگران بزرگ که اهمیتی به آن نمی‌دهند.

محافظ‌طلبی به دنبال محافظت از خود در مقابل تهدیدات و شوک‌های خارجی در روابط با قدرت بزرگ یا نهاد منطقه‌ای است؛ چراکه باید روابط نامتقارن با یک قدرت بزرگ یا نهاد منطقه‌ای را بپذیرد و خودمختاری خود را قربانی کند؛ در دوقطبی، موقعیت استراتژیک، توانمندی اقتصادی یا نظامی می‌تواند ارزش قدرت کوچک برای رقابت قدرت‌های بزرگ را بیشتر کند، در چندقطبی پیچیده شدن محافظ‌جویی، افزایش عدم اطمینان به خاطر تکثر قدرت، خطر رها کردن تعهدات قدرت بزرگ نسبت به قدرت کوچک، خطر به دام افتادن توسط قدرت بزرگ که به حمایت قدرت کوچک نیاز دارد و کاهش قدرت نهادهای بین‌المللی برای محافظت از قدرت کوچک وجود دارد، و در نظام بی‌قطب اهمیت یافتن شبکه قدرت‌های کوچک برای موازنه در مقابل قدرت‌های بزرگ افزایش می‌یابد.

1. Holbraad, Carsten (1984): *Middle Powers in International Politics*. London, s.l.: Palgrave Macmillan UK. Available online at <http://dx.doi.org/10.1007/978-1-349-06865-4>. Pp. 142-150

2. Hiding

3. shelter seeking

4. hedging

5. multivectorism

6. offensive pragmatism



پوشش ریسک و چندمحوری به معنای اجتناب از تعهد و تعلق در عین بهره‌برداری از رابطه با قدرت‌های بزرگ متعدد است و شکلی از قدرت ارتباطی است که به دولت کوچک اجازه می‌دهد تناقضات میان وابستگی و پیوند در روابط نامتقارن را کاهش دهد و روابط خود با قدرت‌های بزرگ متعدد را برای کاهش وابستگی به یکی از آنها افزایش دهد؛ مانند کشورهای آسیای جنوب شرقی؛ در نظام دوقطبی به دلیل رقابت شدید میان قطب‌ها و ریسک بالای رویارویی نظامی یا ایدئولوژیک، امکان پیگیری این سیاست وجود ندارد، اما در نظام تک‌قطبی ارتباط با بازیگران متنوع به منظور کاهش نگرانی از قدرت در حال خیزش پی گرفته می‌شود. در نظام چندقطبی عدم اطمینان‌ها زمینه مناسبی برای پیگیری این سیاست فراهم می‌کند؛ مانند رفتار کشورهای آسیای جنوب شرقی در رقابت آمریکا و چین در بحران کرونا، و در بی‌قطبی وابستگی متقابل پایین بین مناطق مختلف، توان دولت کوچک برای این سیاست را کاهش می‌دهد و آن را با قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای تنها می‌گذارد.

عمل‌گرایی تهاجمی بر پذیرش قواعدی که قدرت‌های بزرگ برای کنشگری قدرت کوچک وضع می‌کنند استوار است و رفتار آنها معطوف به بیشینه‌سازی نفوذ است. در این حالت، قدرت‌های ثالث می‌توانند به خصوص در موضوعات کم‌اهمیت‌تر برای خود نقش ویژه تعریف کنند، از فرصت‌های نهادهای بین‌المللی و روابط دوجانبه بهره می‌برند، در دوقطبی می‌توانند نقش میانجی، ارائه‌کننده تخصص فنی یا هنجارساز را بین دو قطب بازی کنند، در تک‌قطب می‌توانند نقش تقویت‌کننده و حامی نظام تک‌قطبی و هژمونی آن را بازی کنند، و در چندقطبی و بی‌قطبی نهادهای ضعیف و چندگانگی هنجارها و ایده‌های مسلط، کارآمدی عمل‌گرایی تهاجمی را کاهش می‌دهد، در این مواقع، دولت‌های کوچک دست به ایجاد شبکه‌های جدید از دولت‌های با ذهنیت مشترک می‌زنند و همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت می‌کنند.^۱ در ادامه به دو نمونه عینی از نقش‌آفرینی بازیگران عمده (اروپا و روسیه) در فضای رقابت آمریکا و چین پرداخته می‌شود.

گزینه‌های اروپا در رقابت آمریکا و چین شامل موازنه، چندجانبه‌گرایی، خودمختاری راهبردی و مدیریت هوشمندانه وابستگی است. موازنه به معنای تلاش برای حفظ

1. Græger, Nina; Heurlin, Bertel; Wæver, Ole; Wivel, Anders (2022): *Polarity in international relations. Past, present, future* / edited by Nina Græger, Bertel Heurlin, Ole Wæver, Anders Wivel. Basingstoke: Palgrave Macmillan (Governance, security and development).. pp. 138-146

روابط خوب با هر دو طرف و اجتناب از وابستگی افراطی یا تقابل با هر یک است. چندجانبه‌گرایی به معنای ایفای نقش فعال اقتصادی در نظم بین‌المللی قاعده محور پس از جنگ جهانی دوم است که در نقطه مقابل رویکردهای یکجانبه‌گرایانه یا مبتنی بر زور قرار می‌گیرد. خودمختاری راهبردی به معنای افزایش استقلال راهبردی به عنوان شرط لازم برای تبدیل شدن به یک بازیگر تمام‌عیار و عدم تبدیل به ابزار اهرمی توسط چین یا آمریکا است. مدیریت هوشمندانه وابستگی متقابل به معنای سنجش کمی آسیب‌پذیری‌های ژئواکونومیک اروپا از طریق شاخص‌هایی مانند میزان تجارت، وابستگی واردات/صادرات، حساسیت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با هدف نظارت بر عدم تعادل در وابستگی متقابل است تا اروپا بتواند از تبدیل شدن به بازیچه قدرت‌های دیگر به ویژه چین جلوگیری کند. برخی محققان مانند کوزدتا و تومازوسا، گزینه مدیریت هوشمندانه وابستگی را برای اروپا مفیدتر می‌دانند.^۱

گزینه‌های راهبردی روسیه در مواجهه با رقابت آمریکا و چین را نیز می‌توان در قالب سه گفتمان لیبرال طرفدار غرب یلتسینی، گفتمان واقع‌گرایی توازن‌بخش پریماکوفی و گفتمان تمدنی ملی‌گرا دوگینی جستجو کرد. گفتمان‌های روسیه از سال ۲۰۰۹ به بعد به تغییرات در سطح نظام بین‌الملل توجه بیشتری نشان دادند و به‌ایده‌های ترکیبی جدیدی رسیده‌اند؛ از جمله ایده دولت چرخنده^۲ دنیل کلیمان و ریچارد فونتین^۳ که به معنای دولتی است که قدرت کمتری نسبت به قدرت‌های دیگر دارد اما قادر است یکی از آنها را به عنوان شریک انتخاب کند. بر اساس این ایده، روسیه می‌تواند ائتلاف‌های موقتی با آمریکا در برخی از موضوعات مانند ایران، افغانستان، کنترل تسلیحات و مقابله با تروریسم داشته باشد، در عین حال وارد ائتلاف‌های موقتی با چین در موضوعات دیگری مانند احترام به حاکمیت دولت‌ها، تقویت شورای امنیت و حمایت از نظم چندقطبی در جهان باشد. معنای عملی این ایده این است که روسیه باید میان محور آسیا-پاسیفیک و یورو-آتلانتیک در سیاست خارجی خود توازن برقرار کند. نسخه‌های قبلی این ایده را می‌توان مثلث راهبردی مسکو – پکن – دهلی نو در برابر سلطه غرب پریماکف در سال ۱۹۹۸ یا استفاده پوتین از چین

1. Luiza Kostecka-Tomaszewska and Monika Krukowska (2020) *Europe between China and the United States_ Geoeconomic Implications of the Belt and Road Initiative*, European Research Studies Journal, Vol. XXIII, Issue. 1, pp. 282-286

2. swing state

3. Daniel Kliman and Richard Fontaine



به عنوان ابزار موازنه در برابر آمریکا در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ دانست.^۱

رقابت آمریکا و چین به طور قطع بر کشورهای منطقه خاورمیانه تأثیرات زیادی بر جای خواهد گذاشت. بنابراین این کشورها نیز به دنبال تعریف نقش و جایگاه خود در این رقابت راهبردی هستند و در این باره دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است؛ از راهبرد فعالانه برای سود بردن از این رقابت قدرت‌های بزرگ تا مقابله محتاطانه در مقابل عدم اطمینان و ریسک راهبردی تا کمک سازنده برای کاهش خصومت بین دو کشور، موازنه،^۲ پیروی^۳ و پوشش ریسک.^۴ پوشش ریسک به رفتار کشورها در اجتناب از ریسک‌ها از طریق دنبال کردن گزینه‌های متعدد و چندگانه دارای تأثیرات متقابلاً خنثی‌کننده نااطمینانی گفته می‌شود. به عبارت دیگر، کشورها با پوشش ریسک در صدد بیشینه‌سازی چشم‌اندازهای تجاری خود و در عین حال، محافظت از خود در مقابل تهدیدات احتمالی هستند. ذیل راهبرد کلان پوشش ریسک، راهبردهایی مانند موازنه نرم،^۵ جلوگیری از تفوق،^۶ عمل‌گرایی اقتصادی، پیوند ملزم‌کننده^۷ و پیروی محدود^۸ مطرح می‌شود^۹ که بنا به اقتضائات و ویژگی‌های داخلی و خارجی کشورهای مختلف، می‌تواند مبنای شکل‌گیری راهبرد کلان آنها در مواجهه با رقابت آمریکا و چین در عرصه بین‌المللی قرار گیرد.

در حوزه پیرامونی ایران یعنی خاورمیانه و آسیای مرکزی، قدرت‌های میانی و منطقه‌ای نقش کلیدی در تشدید یا تعدیل رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین ایفا می‌کنند و برای ایران هم تهدیدها و فرصت‌هایی ایجاد کرده‌اند. بر اساس داده‌های جدید از سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، قدرت‌های میانی مانند عربستان سعودی، امارات متحده

1. Igor Zevelev (2015): *Russian Perspectives on US–China Relations and the Twenty-First-Century Global System*. In Aaron S. Klieman (Ed.): *Great powers and geopolitics. International affairs in a rebalancing world* / Aharon Klieman, editor. Cham: Springer (Global power shift).

2. ballancing

3. Bandwogoning

4. Hedging

5. Soft Balancing

6. Dominance Denial

7. Binding Engagement

8. Limited Bandwagoning

9. Grano, Simona Alba; Huang, David W. F. (2022): *China-US competition. Impact on small and middle powers' strategic choices* / edited by Simona A. Grano, David Wei Feng Huang. Basingstoke: Palgrave Macmillan, pp. 90–91

عربی، ترکیه و هند در حال پیگیری راهبرد پوشش ریسک در جهت بهره برداری از رقابت آمریکا و چین و در عین حال، عدم تعهد کامل به یکی از طرفین این رقابت هستند. برای مثال، در سال ۲۰۲۵، عربستان سعودی با میانجی‌گری چین، روابط خود با ایران را بهبود بخشید که این امر به کاهش تنش‌های منطقه‌ای انجامید. اما همزمان آمریکا را نگران افزایش نفوذ چین در خلیج فارس کرد. تجارت ترکیه با چین در سال ۲۰۲۵ بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت و به ۴۵ میلیارد دلار رسید، در حالی که ترکیه همچنان عضو ناتو باقی مانده و روابط نظامی با آمریکا را حفظ کرده است. هند نیز در کواد (QUAD) با آمریکا همکاری می‌کند اما همزمان عضو بریکس است. سرمایه‌گذاری چین در هند در سال ۲۰۲۶ به بیش از ۱۰ میلیارد دلار در بخش فناوری رسید، در حالی که هند واردات اسلحه از آمریکا را افزایش داد. روسیه به عنوان یک دولت چرخنده، در سازمان همکاری شانگهای با چین همکاری می‌کند اما در سال ۲۰۲۵، روابط خود با آمریکا را حفظ کرده است. بنابراین می‌توان گفت که بازیگران ثالث یا قدرت‌های میانی با اتخاذ راهبردهای انعطاف‌پذیر، رقابت آمریکا و چین را به فرصتی برای افزایش نفوذ خود تبدیل کرده‌اند و این مسئله به یکی از رفتارهای راهبردی پرتکرار کشورها در مواجهه با رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین تبدیل شده است.

سیاست آمریکا در قبال آسیای مرکزی و خاورمیانه

بر اساس راهبرد آمریکا در آسیای مرکزی که در دولت اول ترامپ (۲۰۱۷-۲۰۲۱) اعلام شد، هدف آمریکا در این منطقه مقابله با نفوذ چین و روسیه از طریق تقویت ساز و کارهای همکاری با پنج کشور این منطقه (قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان) موسوم به ساز و کار C5+1 است. در این راستا، دبیرخانه مجازی C5+1 در ۲۰۲۲ راه‌اندازی شد و اولین نشست سران آن در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل برگزار گردید. از ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳، کمک‌های آمریکا به آسیای مرکزی بالغ بر ۸۱۰ میلیون دلار بود. البته باید گفت که بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مانند چین، ترکیه، ژاپن و کره جنوبی مکانیزم‌های مشابه C5+1 راه‌اندازی کرده‌اند.^۱

راهبرد دولت دوم ترامپ بر ایجاد آسیای مرکزی به عنوان منطقه‌ای با ثبات‌تر

1. Qiang Xiaoyun et. al. (2024) *China-Central Asia Mechanism Construction: A New Driver for Eurasian Cooperation*, Yunjie, SIIIS Report, pp. 10-11.



و مرفه‌تر تاکید دارد که به بازارهای جهانی متصل شود، پذیرای سرمایه‌گذاری بین‌المللی باشد و نهادهای قوی و دموکراتیک داشته باشد. این شامل ارائه کمک‌های فنی و سرمایه‌گذاری زیست‌محیطی برای تقویت امنیت انرژی است. پس از جنگ روسیه و اوکراین، آمریکا با قزاقستان و ازبکستان در زمینه ابتکارات انرژی سبز و رعایت تحریم‌های روسیه و افزایش امنیت، ارتقای توسعه پایدار، رسیدگی به تغییرات اقلیمی و تقویت صلح همکاری کرده است. سیاست دولت دوم ترامپ در قبال آذربایجان و ارمنستان شامل قراردادهای صلح با میانجی‌گری ونس (معاون ترامپ) در سفر به این دو کشور بوده است که منجر به توافق اولیه صلح در اوت ۲۰۲۵ و شکل‌گیری مسیر ترامپ برای صلح و رفاه (TRIPP) شد.

سیاست آمریکا در آسیای مرکزی تا ۲۰۲۶ تغییر کرده و با توجه به تعطیلی آژانس کمک‌های بین‌المللی آمریکا^۱ در سال ۲۰۲۵، تمرکز سیاست آمریکا بر حوزه سرمایه‌گذاری خصوصی و مواد معدنی حیاتی افزایش یافته است. برای مثال، در نشست C5+1 نوامبر ۲۰۲۵ با ترامپ، توافقات تجاری ۱۰۰ میلیارد دلاری در حوزه‌های مختلف از جمله در زمینه انرژی‌های سبز اعلام شد. قزاقستان در ۲۰۲۵-۲۰۲۶ با آمریکا در انرژی تجدیدپذیر همکاری‌هایی را شروع کرد و تولید نفت تنگیز را با شرکت شورون افزایش داد، در حالی که ازبکستان توافق ۸ میلیارد دلاری هواپیما با بوئینگ امضا کرد. این همکاری‌ها برای رعایت تحریم‌های روسیه علیه شرکت‌های روسی مانند گازپروم طراحی شده و تجارت گاز روسیه به آسیای مرکزی را محدود کرده است. سفر جی دی ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا به ارمنستان و آذربایجان در بهمن ماه ۱۴۰۴، یکی از معدود سفرهای مقامات ارشد آمریکایی به این دو کشور پس از فروپاشی شوروی است. این سفر با هدف راه‌اندازی مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی و تقویت روابط آمریکا با این دو کشور انجام شده است. این سفر در راستای اجرایی کردن توافق صلح میان ارمنستان و آذربایجان است که در ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ با حضور نخست‌وزیر ارمنستان و رئیس‌جمهور آذربایجان به میزبانی ترامپ در کاخ سفید امضا شد. در این سفر همچنین توافقاتی در زمینه ساخت نیروگاه برق هسته‌ای میان آمریکا و ارمنستان و همچنین امنیت دریایی میان آمریکا و آذربایجان امضا شد. این توافقات در صورت عملی شدن می‌توانند تهدیدی برای ایران تلقی شوند چرا که نفوذ آمریکا در حوزه شمالی ایران را افزایش می‌دهند.

جایگاه خاورمیانه در اسناد امنیت ملی ترامپ و بایدن متفاوت است؛ در سند راهبرد امنیت ملی بایدن ۲۰۲۲، خاورمیانه اولویت کمتری داشت و تمرکز بر چین و روسیه بود، اما در سند راهبرد امنیت ملی ترامپ ۲۰۲۵، خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای برای انرژی و صندوق‌های ثروت خلیج فارس تعریف شده و اولویت بر معاملات اقتصادی بدون تمرکز بر دموکراسی است.

منطقه ای شدن جنگ اسرائیل و آمریکا بر ضد ایران در سال ۲۰۲۶ منجر به بی ثباتی در اقتصاد جهانی و به خصوص در حوزه جنوبی همجوار ایران شده است. حملات غیرقانونی آمریکا و اسرائیل به ایران و متقابلاً حملات تلافی جویانه ایران به پایگاه های آمریکا در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و مهم تر از همه، کنترل تنگه هرمز توسط ایران وضعیت شکننده ژئوپلیتیک در خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس را موجب شده است. این جنگ بر خلاف مفاد سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۶ آمریکا که بر نگاه ژئواکونومیک و اقتصادمحور در خاورمیانه تاکید درد، پیچیدگی های ژئوپلیتیک در این منطقه را تشدید کرده و در نتیجه آمریکا به جای بهره برداری از فرصت های اقتصادی، تجاری و سرمایه گذاری در این منطقه، به عامل ایجاد بی ثباتی در بازار جهانی انرژی تبدیل شده است. این وضعیت می تواند از یک طرف، چشم انداز برنامه های اقتصادی دولت ترامپ در حوزه خلیج فارس را تیره و تار کند؛ ولی از طرف دیگر، می تواند وزن تعاملات اقتصادی آمریکا با کشورهای حوزه آسیای مرکزی را به عنوان حوزه های جایگزین بیشتر کند.

سیاست چین در قبال آسیای مرکزی و خاورمیانه

سنگ بنای روابط چین و آسیای مرکزی بر اساس ایده های شی جین پینگ رئیس جمهور چین است که در اولین اجلاس چین و آسیای مرکزی در ۱۹ می ۲۰۲۳ تحت عنوان همکاری های پنج اولویت، چهار اصل و طرح هشت ماده ای ارائه شد. این پیشنهادات شامل همکاری های پنج اولویت شامل همکاری سیاسی با حفظ تبادلات منظم در سطح بالا و توسعه روابط دو و چندجانبه، همکاری امنیتی برای تضمین صلح و ثبات منطقه ای، همکاری عملی بر اساس اصول گشودگی و منافع متقابل، همکاری ضد همه گیری، و همکاری بین المللی در چارچوب سازمان ملل با تأکید بر هنجارهای حقوقی و اهداف منشور است. چهار اصل مورد نظر شی شامل کمک متقابل، توسعه مشترک، امنیت جهانی و دوستی پایدار است. همچنین پیشنهاد هشت



ماده‌ای او شامل تقویت نهادسازی، گسترش روابط اقتصادی و تجاری، تعمیق ارتباطات، گسترش همکاری انرژی، ترویج نوآوری سبز، افزایش قابلیت‌های توسعه، تقویت گفتگوی تمدن‌ها و حفظ صلح منطقه‌ای می‌شود.^۱

شی به دنبال نزدیک کردن کشورهای در حال توسعه به یکدیگر است و دیپلماسی چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی در قالب سازمان شانگهای یکی از مصادیق این تلاش است. در این راستا، مجمع چین – سلاک^۲ را در ژانویه ۲۰۱۵ راه‌اندازی شد. در سال ۲۰۲۰ با تشکیل سازوکار چین – آسیای مرکزی^۳، اولین نشست وزیران خارجه در قالب این ساز و کار در ژانویه ۲۰۲۰ تشکیل و بر برگزاری جلسات منظم بین شش کشور تأکید شد. اجلاس مجازی سران شش کشور در ژانویه ۲۰۲۲ برگزار و ارتقای سازوکار به سطح روسای دولت‌ها تصویب شد. اجلاس سران در تاریخ ۱۸-۱۹ می ۲۰۲۳ با صدور اعلامیه شی^۴ به کار خود پایان داد و از آن پس نشست وزرای خارجه، اقتصاد و تجارت، حمل و نقل، کشاورزی، گمرک و امور احزاب سیاسی به طور منظم تشکیل شده است.^۵

توجه به اصل اقتصاد در اولویت روابط چین و آسیای مرکزی، تقویت حوزه‌های اعتماد متقابل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ایجاد پل ارتباطی میان چین و روسیه به عنوان قدرت مسلط سنتی با در نظر گرفتن حساسیت‌های آن، از ویژگی‌های کلیدی رویکردهای چین به آسیای مرکزی است. اهمیت آسیای مرکزی برای راهبرد جهانی چین در این است که کشورهای آسیای مرکزی، خط مقدم همکاری در طرح کمربند و راه هستند و این منطقه، نقش کلیدی در جهانی شدن چین و اتصال چین به غرب آسیا و اروپا دارد. از نظر چین، آسیای مرکزی به تدریج وارد چرخه صلح و ثبات نسبی شده، جنگ روسیه و اوکراین هژمونی روسیه در این منطقه را کاهش داده و اکثر قدرت‌های بزرگ برون‌منطقه‌ای از طریق مکانیزم‌های C5+1 در پروژه‌های سیاسی و اقتصادی این منطقه رقابت می‌کنند. راهبرد کشورهای غربی از تحریک انقلاب‌های رنگی به کسب نفوذ از طریق نهادسازی و سرمایه‌گذاری تغییر کرده و

1. Wu Chunsi et. al. (2025) *China's Peripheral Security Risks: Assessment and Prevention*, SIIIS Report, pp. 21-22.
2. China-CELAC Forum
3. C5+1
4. Xi'an Declaration
5. Wu Chunsi et. al. (2025) *China's Peripheral Security Risks: Assessment and Prevention*, SIIIS Report, p. 21

دیپلماسی چندجانبه متعادل کشورهای آسیای مرکزی با همه قدرت‌ها ضرورت دارد. البته منطقه آسیای مرکزی از جنبه سلبی امنیت نیز مورد توجه چین است. چرا که منشاء خطرات امنیتی مانند تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی است. ظهور شاخه‌های جدید تروریسم داعشی به خصوص شاخه خراسان^۱ می‌تواند تهدیدات جدی متوجه چین کند. تجدید حیات داعش شاخه خراسان به عنوان فعال‌ترین سازمان تروریستی جهان منجر به حملات تروریستی مانند ۳ ژانویه ۲۰۲۴ در ایران و ۲۲ مارس ۲۰۲۴ در روسیه شده است. همچنین سازمان‌های تروریستی به تحریک طالبان، ارتش آزادی‌بخش بلوچستان^۲ و جبهه آزادی‌بخش بلوچستان^۳ حملاتی را بر ضد اتباع چینی در پروژه‌های این کشور مانند حمله به کاروان مهندسان در نیروگاه داسو در ۲۶ مارس ۲۰۲۴ انجام دادند و ریسک‌های کریدور اقتصادی چین-پاکستان^۴ را افزایش دادند.^۵

حوزه‌های همکاری و نهادینه‌سازی روابط اقتصادی چین و آسیای مرکزی شامل استراتژی‌های توسعه کشورهای آسیای مرکزی است: ازبکستان در چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود در صدد دو برابر کردن تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمد سرانه به ۴۰۰۰ دلار و اجرای ۵۰۰ پروژه فناورانه است. تاجیکستان در چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود در جستجوی استقلال انرژی، عبور از موانع حمل و نقل، رسیدن به امنیت غذایی و صنعتی شدن است. قرقیزستان در چشم‌انداز ۲۰۴۰ خود اولویت را به انرژی، تولید، معدن، صنایع سبک، کشاورزی و گردشگری داده است. قزاقستان با سیاست اقتصادی جاده روشن، در صدد حفظ رقابت منصفانه، تحریک شرکت‌های خصوصی و توزیع عادلانه درآمد است. ترکمنستان با احیای جاده ابریشم، در صدد بهبود محیط کسب‌وکار، ارتقای نظام صنعتی و تقویت صنایع گاز و نفت است. اهداف مشترک این کشورها را می‌توان شامل توسعه زیرساخت انرژی و حمل و نقل، کریدور ترانس خزر، راه‌آهن چین – قرقیزستان – ازبکستان، و تحول سبز و دیجیتالی، امکان‌سنجی صندوق سرمایه‌گذاری

۱. داعش شاخه خراسان (ISKP) شاخه منطقه‌ای گروه داعش است که در سال ۲۰۱۵ اعلام موجودیت کرد. نام «خراسان» به یک مفهوم تاریخی-جغرافیایی اشاره دارد که بخش‌هایی از افغانستان، پاکستان، ایران، آسیای مرکزی و شمال هند را دربر می‌گیرد. داعش خراسان برخلاف طالبان، هیچ‌گونه سازش سیاسی را نمی‌پذیرد و خود را نماینده «داعش جهانی» در منطقه می‌داند.

2. BLA

3. BLF

4. CPEC

۵. Wu Chunsi et. al. (2025) *China's Peripheral Security Risks: Assessment and Prevention*, SIIS Report., pp. 22-23.



چین و آسیای مرکزی، رایزنی برای تجارت ترجیحی و ساخت مناطق آزاد تجاری دانست. برای رسیدن به این اهداف، این کشورها در صددند از ظرفیت نهادهایی مانند شانگهای، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا استفاده کنند. سکوه‌های فعلی برای همکاری شامل سازوکار همکاری محیط زیستی و کشاورزی شانگهای، برنامه جنوب - جنوب، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد برای امنیت غذایی و مراکز نمایش فناوری کشاورزی می‌شود.

در عین حال، نباید موانع همکاری چین با کشورهای آسیای مرکزی را نیز از نظر دور داشت که شامل تکثر دستورکارها است: قزاقستان شبکه تولید کالایی یکپارچه پیشنهاد داده، قرقیزستان بر کریدور حمل و نقل و مراکز لجستیکی تمرکز دارد، ترکمنستان همکاری انرژی می‌خواهد. ضعف شدید در حاکمیت امنیت زیست‌محیطی و قوانین منابع آب وجود دارد. بازی‌های استراتژیک در ژئوپلیتیک با دستورکارهای متفاوت قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند روسیه، آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و هند و سازوکارهای C5+1 اثر متوازن‌کننده بر یکدیگر می‌گذارد. پس از جنگ روسیه و اوکراین، کشورهای دیگر خلا قدرت روسیه را پر کردند. روسیه از هژمون اوراسیا به سازمان‌دهنده ادغام اوراسیا گذار کرده، در عین حال، برتری در پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را حفظ کرده است.

نقش اقتصادی چین در حوزه پیرامونی ایران به خصوص در آسیای مرکزی در سال‌های اخیر پررنگ‌تر شده است. تجارت چین با کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۲۵ به ۱۰۶,۳ میلیارد دلار رسید که رشد ۱۲ درصدی را نشان می‌دهد. در ژوئن ۲۰۲۵، معاهده دوستی دائمی با پنج کشور آسیای مرکزی امضا شد که طرح کمربند و راه را نهادینه می‌کند. در خاورمیانه، تجارت چین با کشورهای عربی در هفت ماه اول ۲۰۲۵ به ۲۴۰ میلیارد دلار رسید که افزایش ۳,۲ درصدی را نشان می‌دهد.

در خاورمیانه، منازعه طولانی اسرائیل و فلسطین، بازطراحی راهبرد آمریکا و بی‌ثباتی داخلی، امنیت انرژی و آبراه‌های منطقه را برای چین به خطر انداخته است. ملاحظات امنیتی خاورمیانه برای چین شامل امنیت انرژی است. روشن است که خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین تامین‌کننده انرژی چین با سه تهدید مواجه است: دخالت نظامی خارجی مانند توقف تانکرهای نفتی توسط آمریکا، اقدامات قهری علیه صادرکنندگان نفت با فشار آمریکا برای کاهش ارسال نفت به چین، و بی‌ثباتی داخلی کشورهای

نفت خیز که ظرفیت تولیدی آنها را مختل می‌کند. ایمنی آبراه‌ها مانند دریای سرخ و تنگه هرمز برای تجارت چین با خاورمیانه، شمال آفریقا و اروپا حیاتی است و تسلط آمریکا بر این آبراه‌ها می‌تواند خطر جدی برای امنیت ملی چین تلقی شود. به عنوان نمونه، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که سرریز جنگ اسرائیل و فلسطین به دریای سرخ، هزینه‌های صادرات چین به اروپا را افزایش داده است.

خطرات عمده‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری چین در خاورمیانه وجود دارد؛ از جمله تصویرسازی شیطانی از چین در کشورهای عربی و در نتیجه، تقویت بازیگران تروریست مانند جنبش اسلامی ترکستان شرقی برای فعالیت در سین‌کیانگ، تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه چین با استفاده از اهرم‌های سیاسی و اقتصادی با هدف کاهش روابط کشورهای اروپایی و خاورمیانه‌ای با چین، گسترش صلاحیت قانونی برای مجازات شرکت‌های همکار با چین مانند صندوق‌های ثروت ملی خلیج فارس و قطع دسترسی چین به سوئیفت برای مختل کردن مبادلات تجاری این کشور. چین نگرانی تشدید اقدامات ضدچینی آمریکا در خاورمیانه مانند تقویت فرماندهی آمریکا در خطوط ارتباطی دریایی، ایجاد مشارکت‌های استراتژیک از طریق توافق‌های ابراهیم برای مقابله با نفوذ روسیه و چین و درخواست از کشورهای خاورمیانه برای قطع روابط با شرکت‌های فناوری پیشرفته چین.

رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین در آسیای مرکزی و خاورمیانه

رویکرد چین و آمریکا به مدیریت بحران‌های بین‌المللی در خاورمیانه متفاوت است؛ رویکرد چین مبتنی بر ضرورت درک سیستماتیک و جامع از علل بحران است؛ یعنی توجه به ریشه‌های عمیق بحران روسیه و اوکراین و ضرورت تعریف امنیت مشترک برای حل آن یا بررسی ریشه‌های عمیق بحران اسرائیل و فلسطین و ضرورت راه‌حل دو دولتی. به همین دلیل، در ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۴، چهارده گروه فلسطینی در اعلامیه پکن بر تقویت وحدت ملی فلسطین تأکید کردند، اما رویکرد آمریکا بر اساس شورای صلح غزه پیش می‌رود.

پایبندی چین به چندجانبه‌گرایی و مخالفت با رویکرد بلوکی، این کشور را در مقابل آمریکا قرار داده است. چین به جای رویکرد تقابلی، رویکرد جامعه بشری با آینده مشترک را انتخاب کرده است. این رویکرد در مقابل رویکرد آمریکا مبتنی بر «حیاط کوچک، دیوارهای بلند» و جداسازی و ریسک‌زدایی است که برای حفظ هژمونی خود



دنبال می‌کند.

اگرچه تمرکز اصلی جغرافیایی رقابت آمریکا و چین بر حوزه آسیا - اقیانوسیه است، اما آسیای مرکزی به عنوان «حاشیه پشتی» در رقابت این دو قدرت مطرح است. در این رقابت، آمریکا می‌تواند مانع تعمیق همکاری چین و آسیای مرکزی شود. چرا که آمریکا روابط خوبی با قزاقستان و ازبکستان به عنوان گره‌های استراتژیک کلیدی برای توسعه این منطقه دارد. تلاش آمریکا برای گسترش سازمان‌های غیردولتی در آسیای مرکزی برای نفوذ در جوامع محلی و ترویج ارزش‌های خود ادامه دارد.

در حوزه رقابت کریدوری، ابتکار کمربند و راه چین با سرمایه‌گذاری رکورد ۱۲۸ میلیارد دلاری در ساخت‌وساز و ۸۵ میلیارد دلاری در سرمایه‌گذاری در ۲۰۲۵، بر انرژی و معدن تمرکز دارد و آسیای مرکزی را به اروپا متصل می‌کند. چین تلاش می‌کند از طریق سوآپ ارزی مبتنی بر یوان، تجارت با کشورهای آسیای مرکزی را پیش ببرد؛ تا جایی که تجارت چین با پنج کشور آسیای مرکزی در ۲۰۲۵ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. در مقابل، آمریکا نیز از طریق C5+1 و مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی، کریدور میانی را تقویت کرده و در ۲۰۲۵ توافقی‌هایی به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار در حوزه همکاری‌های انرژی سبز با کشورهای آسیای مرکزی امضاء کرده است. این رقابت فناورانه همچنین شامل محدودیت‌های آمریکا روی صادرات فناوری به چین و سرمایه‌گذاری چین در فناوری بالا در طرح کمربند راه مانند مراکز داده و باتری‌های خودروهای برقی است. چین به دنبال توسعه فناوری‌های سبز در خاورمیانه است، در حالی که آمریکا از طریق ائتلاف I2U2 (هند، اسرائیل، امارات، آمریکا) همکاری‌های در زمینه فناوری‌های پیشرفته را گسترش می‌دهد. در مناطق آزاد، چین مناطق آزاد تجاری در آسیای مرکزی را پیشنهاد داده و در ۲۰۲۵ رایزنی برای تجارت ترجیحی را آغاز کرد، در مقابل آمریکا سرمایه‌گذاری خصوصی را از طریق C5+1 ترویج می‌کند. در کشاورزی، چین مراکز نمایش فناوری کشاورزی در شانگهای ایجاد کرده، در حالی که آمریکا کمک‌های فنی برای امنیت غذایی ارائه می‌دهد. در حوزه دیجیتال، چین اقتصاد دیجیتال را در طرح کمربند - راه گسترش داده و آمریکا اتصال دیجیتال را در C5+1 ترویج می‌کند.

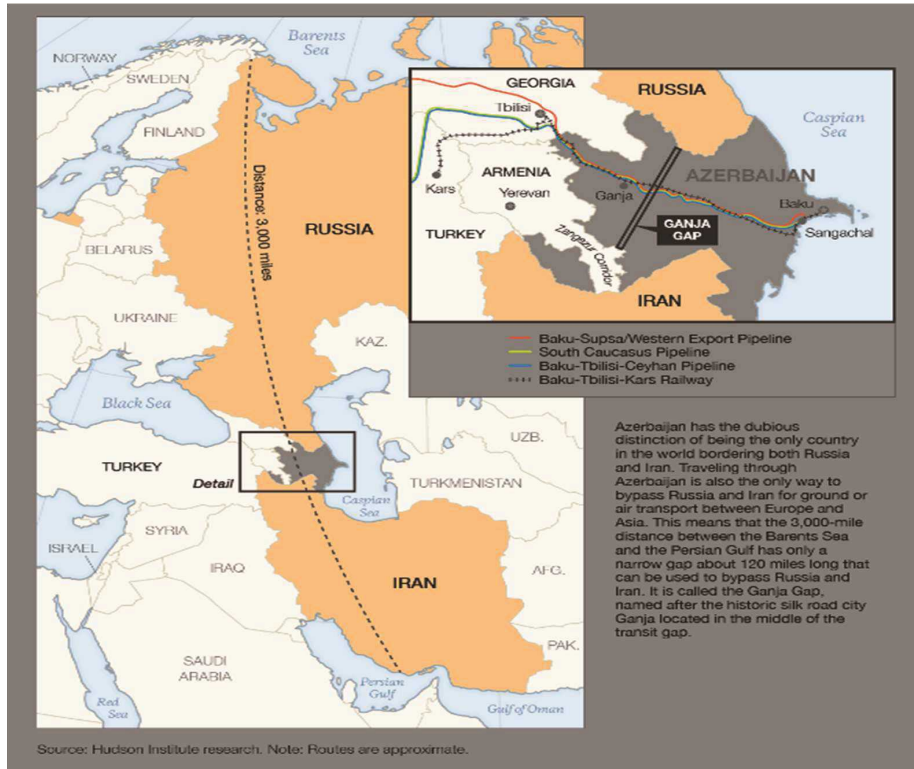
پس از مرور کوتاه بر حوزه‌های رقابتی آمریکا و چین در آسیای مرکزی و خاورمیانه، در ادامه به شکل مفصل‌تر به این حوزه‌های رقابتی شامل رقابت کریدوری و حمل و نقل، سوآپ ارزی، انرژی، کشاورزی، دیجیتال و شراکت راهبردی پرداخته می‌شود.

رقابت کریدوری و حمل و نقل

کریدورها نقش مهمی در شکل‌بندی‌های ژئوپلتیکی جدید جهان بازی می‌کنند. انقلاب لجستیک، فضای اقتصادی جدیدی در آسیای مرکزی ایجاد کرده است. شبکه‌های پیچیده راه‌آهن، ارتباطات داخلی در پهنه اوراسیا را تسهیل کرده است. در این فضا، همه قدرت‌ها تلاش می‌کنند سهم بیشتری در توسعه و بهره‌برداری از کریدورها بازی کنند. چین در چند سال گذشته در قالب طرح کمربند - راه در صد بوده است شبکه کریدوری عظیمی را از مبدأ مناطق غربی خود به سمت اروپا گسترش دهد. این شبکه شامل مجموعه متنوعی از بنادر، خطوط ریلی، فرودگاه‌ها و راه‌های مواصلاتی است که کالاهای چینی را در کشورهای متعددی که در پهنه جغرافیایی وسیع آسیا-اروپا قرار دارند توزیع می‌کند و منابع اساسی مورد نیاز چین را از این کشورها به چین منتقل می‌کند. این شبکه عظیم کریدوری، دارای سه زیرشبکه شمالی، جنوبی و میانی است. در سال‌های گذشته، زیرشبکه شمالی به دلیل جنگ روسیه و اوکراین و زیرشبکه جنوبی به دلیل جنگ اسرائیل در غزه و تسری تبعات آن به دریای سرخ و تنگه باب‌المنندب دچار تنش شده است و به همین دلیل، زیرشبکه میانی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. با بهره‌برداری از قطارهای CR Express (آسیای مرکزی) و ساخت راه‌آهن چین-قرقیزستان-ازبکستان، راه آهن‌ها به اعماق اوراسیا نفوذ کرده‌اند. به دلیل بحران دریای سرخ، ظرفیت حمل و نقل دریایی کاهش یافته و به سمت راه‌آهن منتقل شده است. تا ژوئن ۲۰۲۴، ۹۶۲۷ قطار CR Express (اروپا) و ۵۸۹۳ قطار CR Express (آسیای مرکزی) در ۲۰۲۳ به نزدیک ۹ میلیارد دلار رسید با افزایش ۲۷,۲ درصدی. راه آهن چین-قرقیزستان-ازبکستان با طول ۵۴۷۰ کیلومتر، محدودیت جغرافیایی آسیای مرکزی را از بین می‌برد و ادغام منطقه‌ای را افزایش می‌دهد.^۱

1. Ahmet Faruk Isik & Zhiqiang Zou (2019) *China-Turkey Security Cooperation Under the Background of the 'Belt and Road' and the 'Middle Corridor' Initiatives*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2019.1605572.

رسم توضیحی ۱ مسیرهای انرژی و ترانزیتی قفقاز



گرجستان بازیگر کلیدی در کریدور میانی طرح کمربند راه (مسیر چین، قزاقستان، آذربایجان، ترکیه، گرجستان و اروپا) است. در سال‌های گذشته، همکاری‌های چین با گرجستان در کمربند میانی افزایش یافته است. جنگ روسیه و اوکراین از ۲۰۲۲ اهمیت ژئوپلیتیکی گرجستان و قفقاز جنوبی را به عنوان محور میانی کمربند و راه در حوزه ترانس‌خزر افزایش داده است. ترانزیت از طریق روسیه حدود ۵۰ درصد کاهش یافته و در عوض، انتقال کالا از گرجستان ممکن است سالانه به ۱۰ میلیون تن برسد. برای تسهیل این فرایند، توافق تجارت آزاد و رژیم بدون ویزا میان چین و گرجستان وجود دارد. سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌ها، انرژی، لجستیک و مناطق آزاد صنعتی گرجستان ادامه دارد. چین از طریق توسعه بنادر، بزرگراه‌ها و راه‌آهن در گرجستان سعی در اتصال آسیای مرکزی به قفقاز جنوبی و دسترسی به بازار اتحادیه اروپا دارد. انعقاد قرارداد پرسود کنسرسیوم چین-سنگاپور برای توسعه مهم‌ترین دارایی



استراتژیک گرجستان یعنی بندر عمیق آناکلیا انجام شده است. چین در صدد داشتن جای پا در دریای سیاه و تقویت طرح کمربند و راه خود است. بندر آناکلیا به دلیل عمق زیاد می‌تواند برای اهداف نظامی توسط ناتو هم مورد استفاده قرار گیرد.^۱

همکاری روسیه و چین در گرجستان موفق شده جهت‌های راهبردی گرجستان به سمت حوزه یورو-آتلانتیک را تغییر دهد. روسیه از طریق ابزار نظامی و فشار اقتصادی، گرجستان را از غرب دور کرد و چین با تکیه بر این محیط آماده، جایگزین توسعه بدیل برای گرجستان شد. بنابراین چین و روسیه ضمن اجتناب از درگیری، جبهه مشترکی علیه منافع آمریکا و اتحادیه اروپا ایجاد کردند و گرجستان را به سمت نظم چندقطبی همسو با دو قدرت بریکس و ضد غربی کشاندند. سکوی ۳+۳ (ایران، روسیه و ترکیه + آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) در حال به چالش کشیدن نفوذ غرب در قفقاز جنوبی است و نقش آمریکا و اروپا در صلح آذربایجان و ارمنستان را تضعیف می‌کند.

از طرف دیگر، آذربایجان درخواست عضویت در بریکس داده و ارمنستان نیز در حال نزدیک شدن به بریکس است و پیوستن گرجستان هم دور از ذهن نیست. افزایش اهمیت اقتصادی و تجاری کریدور میانی، اهمیت روزافزون گرجستان را برای تجارت بین‌قاره‌ای به همراه دارد؛ زیرا تنها راه جایگزین مناسب برای مسیرهای تجارت روسیه با کشورهای آسیای مرکزی و همچنین تجارت آذربایجان با اتحادیه اروپا و ایالات متحده است. همکاری با حکومت تحت حمایت چین در تفلیس، شکست قابل توجه برای متحدان آمریکا و اروپا خواهد بود. از دست دادن گرجستان در برابر اتحاد روسیه و چین، دسترسی مستقیم زمینی به آسیای مرکزی را به خطر می‌اندازد. همراستایی قدرت تکنولوژیک و مالی چین با قدرت استراتژیک روسیه، قفقاز جنوبی را به قطب ژئوپلیتیکی حیاتی تبدیل می‌کند و مدل‌های توسعه غربی را به چالش می‌کشد و خط گسلی در منطقه دریای سیاه ایجاد می‌کند. همسویی گرجستان و کل قفقاز جنوبی با زیرساخت‌های حیاتی و ابتکارات ادغامی چین، این کشور و منطقه را در حوزه نفوذ چین قرار می‌دهد.^۲

تأثیرگذاری چین در پروژه‌های زیرساختی اوراسیای بزرگ (شامل آسیا، اروپا و آفریقا)

1. Qiang Xiaoyun et. al. (2024) *China-Central Asia Mechanism Construction: A New Driver for Eurasian Cooperation*, Yunjie, SIIS Report, pp. 17-18.
2. Wu Chunsi et. al. (2025) *China's Peripheral Security Risks: Assessment and Prevention*, SIIS Report,.

به حدّی است که بیشتر کشورهای این منطقه در صددند برنامه‌های توسعه زیرساختی خود را با طرح کمربند راه منطبق کنند. از جمله این برنامه‌های توسعه می‌توان به سیاست «جاده روشن»^۱ قزاقستان، «استراتژی ۲۰۴۰» قرقیزستان، راهبرد توسعه «جاده چمنزار» مغولستان، مفهوم تکیه‌گاه دریایی جهانی اندونزی، پلتفرم سیاست هشت حوزه اولویت‌دار نیجریه، طرح چشم‌انداز ۲۰۶۳ مالاو، احیای جاده ابریشم ترکمنستان^۲، چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان (از جمله شهر جدید نئوم)^۳، چشم‌انداز ۲۰۲۵ کویت (از جمله شهر ابریشم کویت)^۴ و چشم‌انداز ۲۰۴۰ عمان^۵ اشاره کرد. در عین حال، آمریکا نیز در صدد است طرح‌های کلان زیرساختی را در رقابت با طرح کمربند راه چین ارائه کند و از این طریق، کشورهای اوراسیا را در مدار پروژه‌های مدنظر خود قرار دهد که از جمله آنها می‌توان به شبکه نقطه آبی (۲۰۱۹)، بازسازی دنیایی بهتر (۲۰۲۱)، چارچوب اقتصادی اندو-پاسیفیک^۶، و مشارکت برای زیرساخت و سرمایه‌گذاری جهانی^۷ اشاره کرد.^۸

ترکیه یکی از کشورهای نسبتاً موفق در زمینه بهره‌گیری از فرصت رقابت‌های ژئواکونومیک آمریکا و چین است. تجربه ترکیه در روابط متوازن میان همکاری اقتصادی و زیرساختی با چین و همکاری امنیتی نظامی با آمریکا نشان می‌دهد که ترکیه چگونه می‌تواند میان همکاری اقتصادی و زیرساختی با چین، به خصوص طرح کمربند و راه و همکاری امنیتی و نظامی با آمریکا تعادل برقرار کند. کریدور میانی به عنوان ابتکار ترکیه از ترکیه آغاز می‌شود و به گرجستان و آذربایجان و از طریق دریای خزر به ترکمنستان و قزاقستان و نهایتاً از طریق راه‌آهن به چین می‌رسد. این طرح با طرح کمربند و راه چین همپوشانی دارد که از طریق راه‌آهن مرمره از زیر تنگه بسفر و از طریق بزرگترین فرودگاه جهان یعنی استانبول به اروپا می‌رسد.^۹

1. Nurly Zhol

2. Miro Popkhadze (2025) *China's Georgian Gamble*, Foreign Policy Research Institute.

3. NEOM

4. Silk City

5. Mohammadbagher Forough & Anna Fünfgeld (2025) *The empty signifier of 'connectivity': how infrastructure reorders the world*, Review of International Political Economy, 32:5, 1593-1617, DOI: 10.1080/09692290.2025.2504457

6. IPEF

7. PGII

8. Forough & Anna (2025).

Ahmet Faruk Isik & Zhiqiang Zou (2019) *China-Turkey Security Cooperation Under the Background of the 'Belt and Road' and the 'Middle Corridor' Initiatives*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2019.1605572

بر اساس آنچه آمد، در حوزه پیرامونی ایران، رقابت کربدوری تشدید شده است. سرمایه‌گذاری‌ها در قالب ابرپروژه کمربند راه چین در ۲۰۲۵ به رکورد ۲۱۳.۵ میلیارد دلار در حوزه انرژی و معدن آسیای مرکزی رسیده است. کربدور میانی در سال ۲۰۲۵ پیشرفت داشته و حجم بار صادرات چین از راه آذربایجان با ۳۵۰ قطار حدود ۳۴ درصد افزایش داشته است. ساخت بندر آناکلیا در سواحل گرجستان در دریای سیاه آغاز شده و انتظار می‌رود اولین کشتی تا ۲۰۲۹ وارد آن شود. پروژه راه آهن چین – قرقیزستان – ازبکستان (CKU) با وام ۴.۷ میلیارد دلاری آغاز شده و تا ۲۰۲۹ تکمیل می‌شود. آمریکا نیز از طریق طرح‌های خود مانند چارچوب اقتصادی اندو-پاسیفیک، و مشارکت برای زیرساخت و سرمایه‌گذاری جهانی در صدد رقابت ژئواکونومیک از طریق تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی در طرح‌های اوراسیاست. این رقابت برای ایران فرصت اتصال به بازارها را فراهم می‌کند اما تهدید دور زدن مسیرهای مواصلاتی ایران را افزایش می‌دهد.

سواپ ارزی

رقابت آمریکا و چین در حوزه سواپ ارزی و نظام پرداخت، بخشی از تلاش چین برای بین‌المللی‌سازی یوان است. کاربرد یوان در پرداخت‌های تجاری چین از ۲۰ درصد در ۲۰۱۶ به ۵۰ درصد در ۲۰۲۲ رسیده که به لطف بانک‌های تسویه‌کننده یوان، خطوط سواپ دوجانبه و سیستم پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین^۱ محقق شده است. ایران به عنوان کشوری تحت تحریم‌های دلاری می‌تواند از این مکانیزم‌ها بهره‌برداری کند. ایران از سال ۲۰۱۲ از یوان برای تسهیل تجارت با چین استفاده کرده و در توافق ۲۵ ساله ۲۰۲۲ تمهیداتی برای افزایش کاربرد یوان در تجارت دو کشور اتخاذ شده است. حتی کشورهای ثالث نیز به فکر استفاده از یوان در تبادلات تجاری با ایران افتاده‌اند؛ در می ۲۰۲۳، مقامات روسیه بررسی کاربرد یوان در تجارت با ایران را گزارش کردند.^۲

توافقنامه‌های سواپ ارزی یا پیمان‌های پولی دوجانبه می‌تواند در چارچوب پروژه‌های کمربند و راه برای خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا و جبران عدم دسترسی ایران به نظام پولی بین‌المللی به کار گرفته شود. چین با بیش از ۴۰ کشور توافق سواپ ارزی

1. CIPS

2. Fan Zhang, Miaojie Yu, Jiantuo Yu & Yang Jin (2017): *The Effect of RMB Internationalization on Belt and Road Initiative: Evidence from Bilateral Swap Agreements*, Emerging Markets Finance and Trade, DOI:10.1080/1540496X.2017.1382346.



بر مبنای ارزش‌های ملی و یوان دارد و بسیاری از این توافقات ذیل طرح‌های کمربند و راه قرار دارند؛ این توافقات پولی رشد ۳۰ درصدی تجارت کلی با چین و ۳۷ درصدی در تجارت کمربند و راه را موجب شده است. کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس بخشی از این شبکه هستند و ایران می‌تواند گام‌های مؤثرتری برای استفاده از این امکان‌ها بردارد. این برای ایران که با شوک‌های ارزی ناشی از محدودیت دلار مواجه است، مفید بوده و نوسانات ارزی در تجارت با چین به عنوان بزرگترین شریک تجاری‌اش را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، با توجه به نوسانات شدید ریال، دسترسی به خط اعتباری یوان ثبات بیشتری به تجارت ایران و چین و در نتیجه، اقتصاد کلان ایران می‌دهد.^۱

در زمینه روند دلارزدایی در چارچوب بریکس، مبادله چین و عربستان با یوان یکی از نمونه‌های مهم است. در سال ۲۰۲۳، توافق خط مبادله دوجانبه چین و عربستان برای تسویه نفت بر پایه یوان ایجاد شد؛ در این راستا، شعب بانک‌های دولتی چین در عربستان افتتاح گردید و یادداشت تفاهم‌هایی میان بانک‌های چینی و شرکت‌های سعودی برای استفاده از یوان امضا شد.^۲ تجربه موفق ترکیه در همکاری مالی با چین از طریق توافقات مبادله ارز محلی، استفاده از مکانیسم‌های مالی جایگزین برای کاهش فشار تحریم‌ها را نشان می‌دهد؛ گزارش‌های موثق نشانگر گسترش همکاری‌های مالی چین و ترکیه از جمله سوآپ ارزی و افزایش حضور بانک‌های چینی هستند.^۳

در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۲۶ چین قراردادهای سوآپ ارزی خود را با بسیاری از کشورها تجدید کرد: با کانادا (۲۰۰ میلیارد یوان، ژانویه ۲۰۲۶)، ماکائو (۵۰ میلیارد یوان، دسامبر ۲۰۲۵)، ECB (تا ۲۰۲۸، سپتامبر ۲۰۲۵)، ترکیه (سیستم تسویه، ۲۰۲۵) و اندونزی (۴۰۰ میلیارد یوان، ۲۰۲۵) و گرجستان (راه‌اندازی سیستم‌های پرداخت و خدمات مالی).^۴ همچنین روند دلارزدایی بریکس پیشرفت آهسته‌ای داشته است؛ ذخایر دلاری بریکس از ۵۸.۲ درصد در ۲۰۲۴ به ۵۶.۹۲ درصد در اوایل ۲۰۲۶ کاهش یافت، اما

1. Ibid.

2. Robert Greene (2023) *The Difficult Realities of the BRICS' Dedollarization Efforts—and the Renminbi's Role*, Carnegie Endowment for International Peace.

3. Kevin Honglin Zhang (2024) *Geoeconomics of US-China tech rivalry and industrial policy*, Asia and the Global Economy 4.

4. Miro Popkhadze (2025) *China's Georgian Gamble*, Foreign Policy Research Institute.

اجلاس ۲۰۲۵ ریو پیشرفت ملموسی نداشت و تمرکز روی ارزش‌های محلی بود. آمریکا به بین‌المللی‌سازی یوان با کاهش ارزش دلار پاسخ داده و به دلارزدایی به عنوان تهدیدی تدریجی می‌نگرد، اما فشار برای کاهش ارزش یوان را دنبال می‌کند. اگر فرض را بر اصرار آمریکا در استفاده مستمر از اهرم تحریم‌های مالی بر ضد کشورهای دیگر بگذاریم، می‌توان گفت که روند آرام و تدریجی دلار زدایی در اقتصاد جهانی به خصوص میان کشورهای جنوب جهانی به شکل بالقوه می‌تواند محدودیت‌های تجاری، پولی و مالی ایران را کاهش دهد؛ به شرطی که بوروکراسی پولی و مالی ایران بتواند خود را با معیارهای بین‌المللی که توسط نظام پولی و بانکی غیرغربی هم رعایت می‌شوند سازگار کند. به نظر می‌رسد که جنگ آمریکا و اسرائیل بر ضد ایران می‌تواند به تسریع روند کاهش اتکای کشورها به دلار کمک کند. به دلیل تبعات این جنگ، کشورهایی مانند امارات با کمبود دسترسی به دلار مواجه شده‌اند و تهدید کرده‌اند که اگر دسترسی محدود آنها به دلار ادامه یابد، مجبور به استفاده بیشتر از یوان در پرداخت‌های خود هستند.

حوزه انرژی (نفت، گاز و هسته‌ای)

روابط چین و آسیای مرکزی در حوزه انرژی بر تقویت روابط با صادرکنندگان مختلف تمرکز دارد تا از این طریق، وابستگی چین به واردات انرژی از برخی کشورهای محدود را کاهش دهد؛ پکن گزینه واردات گاز از ترکمنستان و قزاقستان را برای مناطق شمالی خود در نظر دارد^۱ و در این راستا، به سرمایه‌گذار اصلی زیرساخت‌های انرژی ترکمنستان تبدیل شده است.^۲ از طرف دیگر، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی، تامین مالی پروژه خط لوله گاز طبیعی ترانس‌آناتولی^۳ را بر عهده دارد که گاز آذربایجان را به اروپا می‌رساند و می‌تواند اهمیت منابع انرژی ایران را کاهش دهد.^۴ در سال‌های اخیر، عربستان سعودی به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت

1. Mikhail Korostikov (2025) *A Protracted U.S.-China Trade War Would Be a Gift to Moscow* _ Carnegie Endowment for International Peace.

2. Tsiaporah Fried (2025) *A New Great Game Emerges as Central Asia Drifts Away from Moscow*. Hudson Institute

3. TANAP

4. Ahmet Faruk Isik & Zhiqiang Zou (2019) *China-Turkey Security Cooperation Under the Background of the 'Belt and Road' and the 'Middle Corridor' Initiatives*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2019.1605572..



جهان، نقش بسیار مهمی در تأمین منابع انرژی برای اقتصاد رو به رشد و حریص چین بازی کرده است. عربستان برای پانزده سال متوالی بزرگ‌ترین عرضه‌کننده نفت خام به چین و برای نوزده سال بزرگ‌ترین شریک تجاری چین در غرب آسیا و آفریقا بوده؛ چین از ۲۰۱۳ بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان است. این دو کشور دارای پیمان «شراکت راهبردی جامع» هستند. از طرف دیگر، عربستان در صدد است با هماهنگ‌سازی چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود با طرح کمربند و راه چین، وابستگی به نفت را کاهش دهد و اقتصاد خود را به سمت تنوع بیشتر سوق دهد.^۱ از سوی دیگر، اگرچه واردات آمریکا از نفت خلیج فارس در سال‌های گذشته به شدت کاهش یافته است، اما بر اساس سند راهبرد امنیت ملی دولت ترامپ (۲۰۲۵)، حفظ جریان آزاد انرژی از خلیج فارس همچنان یکی از دغدغه‌های راهبردی آمریکاست.^۲ در حوزه آسیای مرکزی نیز آمریکا طرفدار احداث خط لوله ترانس کاسپین برای انتقال گاز ترکمنستان به اروپا است؛ پروژه‌های که روسیه و ایران تمایل روی خوشی به آن نشان نداده‌اند.^۳

فراتر از صرف صادرات و واردات انرژی، حوزه‌های همکاری در طرح کمربند و راه شامل امنیت شبکه انرژی، مدیریت داده، سرمایه‌گذاری و ساخت زیرساخت در پرتو ادغام داده‌های سبز است. امروزه رقابت در حوزه اتصال جهانی انرژی بر سیستم یکپارچه انرژی تمرکز دارد که انرژی مانند اطلاعات در اینترنت آزادانه قابل دسترسی باشد؛ این از طریق ادغام دو حوزه اطلاعات و انرژی با ارتباطات دیجیتال مانند اینترنت اشیاء انجام می‌شود. امروزه یکی از حوزه‌های همکاری بین‌المللی، پیوند متقابل انرژی جهانی یعنی ترکیب امنیت انرژی و فناوری دیجیتال به عنوان بستر شکل‌گیری شبکه‌های هوشمند یکپارچه انرژی است. بر این اساس، چشم‌انداز انرژی جهان در دهه آینده شامل کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی سنتی، گسترش کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر و دیجیتالی‌شدن انرژی است؛ آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۳۰ سرمایه‌گذاری جهانی در انرژی پاک به ۴.۵ تریلیون دلار برسد و تا ۲۰۵۰ به ۱۳۱ تریلیون دلار سرمایه نیاز است.^۴

1. Zishi Yang, Le Du & Liping Ding (2020): *The China-Saudi Arabia (Jizan) Industrial Park under the Belt and Road Initiative*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2020.1841990.

2. Congress Hearing (2022): *US. policy in a changing Middle East*, 9/24/2022.

3. Luke, Coffey and Kennedy Lee (2024) *America Needs a Diplomatic Offensive across Eurasia*, Hudson Institute.

4. Yu Hongyuan et. al. (2024) *Source of Major Power Competition in energy interne: Geo-technology and Governance Co-efficienc*, SIIS Report.

در حوزه پیرامونی ایران، رقابت انرژی تشدید شده است. سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی در قالب طرح کمربند راه چین در سال ۲۰۲۵ به ۹۳.۹ میلیارد دلار رسید که بیش از دو برابر سال ۲۰۲۴ بوده است و شامل سرمایه‌گذاری بر سوخت فسیلی با ۷۱.۵ میلیارد دلار و نفت و گاز ۴۲ میلیارد دلار می‌شود. چین و خلیج فارس در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری می‌کنند، در این میان قزاقستان ۴.۶ میلیارد دلار سرمایه در قالب پروژه‌های کمربند راه جذب کرد. آمریکا نیز در قالب مکانیزم C5+1 در حال رقابت برای دسترسی به منابع انرژی و مواد معدنی حیاتی از جمله سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در مخازن و معادن قزاقستان است. این رقابت به طور بالقوه می‌تواند ارزش کلاسیک منابع ایران را کاهش دهد، در عین حال فرصت همکاری در تجدیدپذیرها را فراهم آورد.

آمریکا وابستگی مستقیم چندانی به واردات انرژی از خلیج فارس ندارد و حتی در کوتاه‌مدت می‌تواند صادرات نفت خود را به دلیل کاهش عرضه نفت در خلیج فارس افزایش دهد. اما به نظر می‌رسد در چشم‌انداز بلندمدت بازار جهانی انرژی، جایگاه چین نسبت به آمریکا ارتقاء یابد؛ چرا که پیامدهای جنگ آمریکا و اسرائیل بر ضد ایران منجر به کاهش اهمیت سوخت‌های فسیلی و تمایل روزافزون مصرف‌کنندگان به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر خواهد شد. به این دلیل که انتقال منابع انرژی‌های فسیلی به شدت وابسته به مسیرهای حمل و نقل دریایی است و این جنگ نشان داد که این مسیرها، تا چه حد نا امن و شکننده‌اند و می‌تواند به راحتی به اهرم فشار اقتصادی و سیاسی کشورهای درگیر در منازعات منطقه‌ای تبدیل شوند. با این پیش‌فرض و با توجه به مزیت چین در حوزه زیرساخت انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله باتری‌های خوشیدی و توربین‌های بادی به نظر می‌رسد در بلندمدت چین نه تنها آسیب چندانی از نا امنی‌های ژئوپلیتیک در خلیج فارس نخواهد دید بلکه با توجه به سرمایه‌گذاری سنگین در حوزه منابع انرژی آسیای مرکزی و دسترسی زمینی سهل‌الوصول به این کشورها و همین‌طور مزیت‌های فناورانه‌اش در انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند از این درگیری‌های ژئوپلیتیک در راستای منافع خود بهره‌برداری کند.

کشاورزی، منابع آب و صنایع غذایی

تلاش چین برای گرفتن سهم بیشتر در بازار محصولات حلال به خصوص در کشورهای



عربی ادامه دارد؛ بازار جهانی محصولات حلال بالغ بر ۲.۳ تریلیون دلار است؛ چین در سال ۲۰۲۱ حدود ۴۰ میلیارد دلار صادرات محصولات حلال داشته است. بازار چین در ۲۰۲۵ به ۸۵.۹۵ میلیارد دلار رسید و تا ۲۰۳۴ با رشد ۱۰.۸۴ درصد به ۲۱۷ میلیارد دلار می‌رسد؛ صادرات حلال چین در ۲۰۲۴ حدود ۱۰.۴ میلیارد دلار بود. شرکت مدیریت صندوق نینگشیا چین برای به دست آوردن سهم بیشتر در بازار دبی، عربستان و امارات از فناوری دیجیتال و لجستیک زنجیره تامین محصولات حلال چین بهره می‌برند.^۱

یکی از حوزه‌های همکاری میان کشورهای آسیای مرکزی، مدیریت منابع آب‌های فرامرزی است. تشدید اثرات تغییرات اقلیمی، منازعه بر سر منابع آب را تشدید کرده است؛ درگیری نظامی مرزی سال ۲۰۲۲ تاجیکستان و قرقیزستان بر سر منابع آب نشانه شعله‌ور شدن مسائل تخصیص آب است میان کشورهاست. استفاده از رودخانه‌ها برای کشاورزی، صنعت و برق آبی می‌تواند منازعه را تشدید کند. کمبود منابع آب در آسیای مرکزی تشدید شده است. ذوب یخچال‌ها تا ۲۰۲۵-۲۰۲۶، منابع آب را ۲۰-۳۰ درصد کاهش داده است. بنابراین منطقه نیازمند هماهنگی بین‌المللی برای یافتن راه‌حل‌های مبتنی بر اجماع است تا بین نیازهای انرژی و توسعه پایدار کشاورزی تعادل ایجاد شود.^۲ در حوزه پیرامونی ایران، رقابت آمریکا و چین در کشاورزی بر جایگزینی واردات تمرکز دارد؛ قزاقستان در ۲۰۲۵-۲۰۲۶ از جنگ تعرفه‌ای میان آمریکا و چین سود برد و جای آمریکا را به یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان محصولات کشاورزی به چین گرفت.

درگیری‌های ژئوپلیتیک در خلیج فارس تاثیر مستقیم بر تامین کود شیمیایی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهاده‌های حوزه کشاورزی و تامین غذای جهانی بر جای گذاشته است. بر خلاف نفت خام، ذخایر استراتژیک بین‌المللی برای کود شیمیایی وجود ندارد و با توجه به همزمانی این درگیری‌ها با فصل کاشت در نیمکره شمالی و آفریقا، عدم تامین کود شیمیایی از خلیج فارس به معنای کاهش شدید مواد غذایی به خصوص برای کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

بنا بر اعلام مرکز تجارت بین‌الملل^۳ یک‌سوم کل اوره جهان به طور معمول از تنگه

1. Zaynab El Bernoussi and Najwa Belkziz (2024) *China's Burgeoning Halal Trade_ Implications for the Arab World*, Carnegie Endowment for International Peace.
2. Wu Chunsi et al. (2025) *China's Peripheral Security Risks: Assessment and Prevention*, SIIS Report,
3. ITC



هرمز عبور می‌کند. پاملا کوک-همیلتون، مدیر اجرایی این مرکز نسبت به عدم تامین فوری کود اوره به عنوان پایه امنیت غذایی هشدار داده است. بسیاری از کارشناسان سازمان ملل هشدار می‌دهند که اثرات این کمبود در ماه‌های آینده و حتی سال ۲۰۲۷ خودش را نشان می‌دهد. سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد هشدار داده که اختلال طولانی مدت در تنگه هرمز می‌تواند به «فاجعه جهانی در بخش کشاورزی و مواد غذایی» بینجامد چرا که صادرات ۲۰ تا ۴۵ درصد از نهاده‌های کلیدی کشاورزی جهان به عبور از این تنگه وابسته است.^۱

برنامه جهانی غذای سازمان ملل^۲ هشدار داده که اگر جنگ تا ماه ژوئن ادامه یابد و قیمت نفت بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه باقی بماند، ۴۵ میلیون نفر دیگر به جمعیت دچار گرسنگی حاد اضافه خواهند شد و تعداد کل افراد دارای ناامنی غذایی حاد در سال ۲۰۲۶ به ۳۶۳ میلیون نفر خواهد رسید.^۳ دبیرکل سازمان ملل، آنتونیو گوترش، یک کارگروه ویژه به ریاست خورخه موریرا دا سیلوا، مدیر اجرایی دفتر خدمات پروژه ملل متحد^۴ تشکیل داده است تا عبور امن کشتی‌های حامل کود و مواد اولیه مرتبط (اوره، گوگرد، آمونیاک) را تسهیل کند. با وجود این تمهیدات، سازمان ملل پیش بینی کرده است که شاهد افزایش ۲۰ درصد قیمت کود شیمیایی، افزایش ۱۵ تا ۲۵ درصدی هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی، مسدود شدن کانال سوئز و افزایش ۲۵ تا ۳۰ روزه مسیرهای جایگزین از طریق دماغه امید نیک، سه‌برابر شدن هزینه‌های حمل‌ونقل در افغانستان و افزایش ۴۵ درصدی در لبنان و افزودن ۱۰۰۰ یورو به هزینه هر تن کالا و سه هفته تأخیر در مسیر زمینی پاکستان به افغانستان خواهیم بود.^۵

دیجیتال

اقتصاد دیجیتال مبتنی بر گردش داده‌هاست. اقتصاد دیجیتال با ایجاد جهش در بهره‌وری اجتماعی، ارتقای مدیریت لجستیک، تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها و ایجاد کانال‌های تجارت الکترونیک و شبکه‌های داده فرامرزی می‌تواند به ایجاد شبکه

1. <https://www.fao.org/agrifood-economics/publications/detail/en/c/1758065/>

2. WFP

3. <https://www.fightfoodcrises.net/articles/gnafc-members-publish-analysis-implications-2026-conflict-middle-east-acute-food> and https://www.aljazeera.com/news/2026/3/17/un-warns-of-record-hunger-45-million-more-at-risk-if-iran-war-continues?traffic_source=rss

4. UNOPS

5. <https://sana.sy/en/international/2306916/>



روابط تولید پایدار و فضاهاى بازار منطقه‌اى و خوشه‌بندى صنعتى منجر شود. اقتصاد دیجیتالى يکى از جنبه‌هاى مهم تعاملات اقتصادى چین با کشورهاى ديگر از جمله در آسیاى مرکزى است. اما لازمه بهره‌مندى کشورهاى آسیاى مرکزى از مواهب اقتصاد دیجیتال، وجود زیرساخت‌هاى دیجیتال است. مشکل این است که غير از قزاقستان که سطح دیجیتالى شدن و زیرساخت نسبتا بالاى دارد، کشورهاى ديگر از جمله ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان با وجود پتانسیل بالا، زیرساخت‌هاى مناسبى ندارند.

در سی امین سالگرد برقرارى روابط دیپلماتیک چین و کشورهاى آسیاى مرکزى در سال ۲۰۲۲ طرح مشترک توسعه پایدار و باکیفیت همکاری‌هاى اقتصادى و تجارى چین و آسیاى مرکزى امضا شد. يکى از این حوزه‌هاى همکاری، قابلیت‌هاى پرداخت دیجیتال بین چین و کشورهاى آسیاى مرکزى است. چین بر لزوم تقویت زیرساخت داده و همکاری درباره شبکه‌هاى ابرى و سازو کارهاى تبادل داده‌هاى آمارى و سکوهاى اشتراک گذارى داده‌ها در بخش برق، لجستیک و حمل و نقل مانند تاسیس شبکه پارک هوش مصنوعى^۱ برای کمک به شرکت‌هاى آسیاى مرکزى در تبادلات دیجیتال خود و بهبود مدل‌هاى جامع پیش‌بینى عملیات‌هاى حمل و نقل تأکید دارد. این اقدامات منجر به ایجاد یک درگاه دیجیتال میان چین و آسیاى مرکزى^۲ خواهد شد و قدرت رقابت این کشورها در نظام اقتصاد جهانى را افزایش خواهد داد. این زیرساخت قدرتمند داده‌اى مى‌تواند در تبدیل شدن آسیاى مرکزى به محل انبارهاى لجستیک برای تامین کالاهاى منطقه‌اى و قطب‌هاى صنعتى و توزیع محلى کالاهاى بین‌المللى از طریق سیستم‌هاى تجارت الکترونیک محلى کمک کند.^۳

همکاری‌هاى دیجیتال چین و گرجستان نمونه بارزى از اولویت‌سنجى‌هاى کشورهاى آسیاى مرکزى است. گرجستان با در نظر گرفتن منافع ملى خود، به تفاهم نامه‌همکاری با آمریکا در سال ۲۰۲۱ بی‌اعتناىی کرد و تلاش کرد غول‌هاى دیجیتال چین مانند هواووى، هایک ویژن، داهوا و تیاندی را به همکاری دیجیتال به خصوص در زمینه ایجاد قطب‌هاى دیجیتال و تجهیزات لجستیک دیجیتال ترغیب کند. در همین راستا، در اکتبر ۲۰۲۴ گرجستان با استفاده از سیستم‌هاى بازرسى اشعه‌ایکس

1. Xinghe AI Park network

2. China-Central Asia digital hub

3. Qiang Xiaoyun et. al. (2024) *China-Central Asia Mechanism Construction: A New Driver for Eurasian Cooperation*, Yunjie, SIIS Report., pp. 18-20

ساخت چین، پاسگاه‌های مرزی خود در ساداخلو، کارتساخی، کازبگی، پل قرمز و سارپی را تجهیز کرد. نوسازی این تجهیزات به امنیت مرزها و در نتیجه، تضمین امنیت حمل و نقل بین‌المللی توسط چین به گرجستان کمک شایانی می‌کند. تجهیز پلیس گرجستان به فناوری‌های جدید چینی در حوزه امنیت داخلی از جمله سیستم‌های کنترل جمعیت مبتنی بر هوش مصنوعی، الگوریتم‌های پیش‌بینی پلیس و سیستم‌های نظارت دیجیتال از دیگر حوزه‌های همکاری دیجیتال چین و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بوده است.^۱

جنگ رمضان آسیب زیادی به زیرساخت‌های اینترنتی ایران وارد کرده است. برخی گزارش‌ها حاکی از حمله مستقیم آمریکا و اسرائیل به پست‌های تبادل اینترنت^۲ و مراکز داده و همچنین اختلال گسترده ناشی از حملات سایبری به خدمات اداری و سکوه‌های عمومی ایران بوده است. ایران نیز متقابلاً حملات موشکی و پهپادی به مراکز داده آمازون وب سرویس^۳ در امارات و بحرین انجام داد که منجر به اختلال گسترده در سرویس‌های ابری در این کشورها شده است. از ابتدای این جنگ، اینترنت بین‌المللی در ایران قطع شد و حتی پس از اعلام آتش‌بس، اینترنت به شکل محدود معروف به اینترنت طبقاتی در اختیار برخی اقشار قرار گرفت. استدلال طرفداران قطع اینترنت در دوران جنگ اخیر این است که ارتش آمریکا و اسرائیل با سوء استفاده از بستر اینترنت به خصوص از طریق برنامه‌های کاربردی آمریکایی مانند واتساپ می‌توانند داده‌های کلان‌جامعه ایران را جمع‌آوری و از آنها در رصد فعالیت‌های نظامی و جابجایی مقامات نظامی و سیاسی و حتی طرح ریزی ترورهای هدفمند استفاده کنند. همچنین آمریکا و اسرائیل از امکانات تصویری برنامه‌هایی مانند اینستاگرام برای پیشبرد جنگ شناختی و روایت‌سازی به نفع خود استفاده می‌کنند.

بازسازی زیرساخت اینترنتی آسیب‌دیده در جنگ رمضان نیازمند تعامل با کشورهای پیشرفته به لحاظ فناوری دیجیتال به خصوص کشورهایی با قدرت رقابتی بالاتر نسبت به دیگران است. مقایسه امکانات و تجهیزات ارتباطی و دیجیتال چین و آمریکا نشان می‌دهد که احتمالاً شرکت‌های چینی نقش برجسته‌تری در بازسازی زیرساخت اینترنتی در کشورهای درگیر این جنگ خواهند داشت. اگرچه شرکت‌های آمریکایی

1. Miro Popkhadze (2025) *China's Georgian Gamble*, Foreign Policy Research Institute. p. 5.

2. IXPs

3. AWS



جای پای محکمی در بازار دیجیتال کشورهای جنوب خلیج فارس دارند و بخشی از پروژه‌های بازسازی زیرساختی آنها را به دست خواهند گرفت؛ اما ایران که بیشترین آسیب زیرساختی را دیده است، کاملاً وابسته به تجهیزات و تکنولوژی چین است و می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های دیجیتال و زیرساخت چین نقش پر رنگی در بازسازی زیرساخت دیجیتال ایران و بلکه منطقه خواهند داشت.

گردشگری

تعاملات اقتصادی ترکیه و چین در حوزه گردشگری بسیار زیاد است. ترکیه تلاش کرده برنامه‌های خود در زمینه گردشگری را با طرح‌های کمربند و راه هم‌مانند کند. از جمله شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان^۱ بسته گردشگری مشترک "جاده ابریشم مدرن" را در اوت ۲۰۱۸ راه‌اندازی کرد. این بسته ویرانه‌های معروف جاده ابریشم و زیبایی‌های طبیعی ترکیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و قرقیزستان را به هم متصل می‌کند. چین به جز ترکیه، یادداشت تفاهم‌هایی در حوزه گردشگری با کشورهای دیگر از جمله مصر، سوریه، عمان و امارات متحده عربی امضاء کرده است.^۲

یکی از اولین حوزه‌های اقتصادی که بلافاصله با وقوع درگیری‌های مسلحانه میان کشورها متوقف می‌شود، صنعت گردشگری است. امنیت لازمه اصلی تداوم گردشگری داخلی و خارجی است و بنابراین حساسیت این صنعت نسبت به هرگونه امنی داخلی و خارجی بسیار زیاد است. بسته شدن آسمان کشورهای درگیر، توقف خطوط ریلی و نا امن شدن جاده‌های مواصلاتی باعث می‌شود که تقاضا برای سفرهای ضروری هم کاهش یابد، چه رسد به سفرهای گردشگری. هرچه این درگیری عمیق‌تر و گسترده‌تر شود، این احتمال وجود دارد که زیرساخت‌های صنعت گردشگری نیز به شکل مستقیم آسیب ببینند (مانند حمله به فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های راه آهن، جاده‌ها، پل‌ها و اماکن اقامتی) یا فعالان و سرمایه‌گذاران این صنعت به سرعت از آن خارج شوند.

به اذعان سازمان جهانی گردشگری ملل متحد^۳ صنعت گردشگری در خاورمیانه «یکی از سریع‌ترین بازارهای گردشگری در حال رشد جهان» محسوب می‌شود. دبی به

1. CCTS

2. Song Niu & Nianci Li (2019) *Sino-Turkish Tourism Cooperation under the Framework of the Belt and Road Initiative*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 13:3, 445-461, DOI: 10.1080/25765949.2019.1630581, pp. 451-456

3. UNWTO; UN Yourism



تنهایی در سال ۲۰۲۵ بیش از ۹۵ میلیون مسافر هوایی و نزدیک به ۲۰ میلیون بازدیدکننده را به خود اختصاص داده است.^۱ صنعت گردشگری عربستان در سال مالی ۲۰۲۵ بیش از ۸۱ میلیارد دلار درآمد ایجاد کرده است.^۲ بر اساس برآورد این سازمان، در صورت تعطیلی دو ماهه خطوط هوایی در منطقه خاورمیانه، کاهش ۲۰ میلیونی گردشگر و خسارتی معادل ۳۵ میلیارد دلار دور از انتظار نیست.^۳ فرودگاه‌های امارات نقش بسیاری مهمی در ایجاد پل ارتباط هوایی میان اروپا و آسیا دارد و مختل شدن سفرهای هوایی در این خطوط می‌تواند هم تبادل گردشگر بین اروپا و کشورهای آسیای شرقی از جمله چین را به شدت کاهش دهد و این مسئله می‌تواند به صنعت گردشگری چین آسیب وارد کند.

شراکت راهبردی

بر خلاف آمریکا که شبکه جهانی متشکل از ۵۱ متحد دارد، چین از طریق شراکت‌های استراتژیک دوجانبه با ۷۸ کشور جهان شبکه نفوذ ایجاد کرده است. به طور مثال چین با ۲۰ کشور از جمله روسیه، پاکستان و اندونزی توافق نامه همکاری دفاعی^۴ برای هماهنگی سیاست دفاعی، رزمایش‌های نظامی مشترک امضا کرده است.^۵ چین همچنین در زمینه صادرات فناوری پهبادی به خاورمیانه بسیار موفق و فعال عمل کرده است. نگرانی مقامات آمریکایی از روابط امنیتی و تسلیحاتی چین با کشورهای خاورمیانه تا جائیکه است که برخی سناتورهای آمریکایی مانند سناتور مورفی هشدار می‌دهند که در صورت فروش جنگنده‌های اف ۳۵ به امارات، فناوری این جنگنده‌ها در اختیار چین قرار خواهد گرفت. ضمن اینکه اگر متحدین امریکا مانند امارات، خودشان را با تکنولوژی چینی وفق دهند، همکاری نظامی امریکا با این کشورها در معرض خطر قرار خواهد گرفت.^۶

1. <https://www.dw.com/en/us-israel-war-on-iran-could-end-middle-east-tourism-boom/a-76245480>

2. <https://www.dw.com/en/iran-war-is-the-tourism-boom-in-the-middle-east-over/a-76245480?maca=en-rss-en-all-1573-rdf>

3. <https://www.untourism.int/brief-on-the-impact-of-the-middle-east-conflict-on-international-tourism-in-the-region>

4. DCA

5. Samantha A. Vortherms & Jiakun Jack Zhang (2024) *Political risk and firm exit: evidence from the US–China Trade War*, Review of International Political Economy, 31:6, 1814-1839, DOI: 0.1080/09692290.2024.2351841, p. 1824

6. Congress Hearing (2022): *US policy in a changing Middle East*, 9/24/2022.



یکی از آثار روابط راهبردی چین با همه بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه، امکان نقش آفرینی دیپلماتیک و میانجیگری چین در منازعات این منطقه است. میانجیگری چین میان ایران و عربستان نمونه بارزی از قدرت مانور دیپلماتیک چین در این منطقه است. رقابت آمریکا و چین در خاورمیانه می‌تواند در راستای منافع ملی ایران عمل کند. چرا که تلاش چین برای تعمیق و گسترش روابط با عربستان به عنوان یکی از متحدان اصلی آمریکا در منطقه مستلزم برقراری ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه و خلیج فارس است و برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان به عنوان دو ستون مهم نظم منطقه‌ای می‌تواند به ایجاد این ثبات منطقه‌ای کمک کند. این مسئله می‌تواند فرصتی را در اختیار ایران قرار دهد که از نفوذ چین برای کاهش تنش‌ها با همسایگان استفاده کند و الگوهای نظم امنیتی منطقه‌ای را در راستای منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود بازتعریف کند. به همین دلیل است که برخی اندیشکده‌های مطرح آمریکایی نگرانی خود را نسبت به نقش میانجی‌گرایانه چین در مصالحه میان ایران و عربستان اعلام کرده‌اند. از جمله موسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک با اشاره به تعارضات ایدئولوژیک ایران و عربستان که احتمالاً منجر به نافرجامی مصالحه دو کشور خواهد شد، نقش صلح‌ساز چین را «چالشی بنیادین برای نظم منطقه‌ای آمریکامحور» در خاورمیانه می‌داند و هشدار می‌دهند که اگر آمریکا این تهدید چین را جدی نگیرد، کل بازی را در منطقه خواهد باخت.¹

درست است که جنگ بر ضد ایران جدای پیامدهای جهانی زیادی به همراه داشته است، اما آثار آن بیش از همه گریبان کشورهای منطقه را خواهد گرفت و منجر به تغییر برخی راهبردها و رویکردهای سیاسی و امنیتی این کشورها خواهد شد. ایران در واکنش به حملات آمریکا و اسرائیل نه تنها پایگاه‌های آمریکا در کشورهای مبدأ این حملات را هدف قرار داد، بلکه متناسب با این حملات، دارایی‌ها و زیرساخت‌های مربوطه در کشورهای پشتیبان این حملات را نیز مورد حمله قرار داد. حملات ایران به پایگاه‌ها و اماکن نظامی آمریکا در عمق خاک کشورهای عربی و ناتوانی سیستم‌های پدافندی این کشورها در دفع بسیاری از این حملات نشان داد که اتکای صرف این کشورها به جنگ‌افزارهای نظامی پیشرفته و گران‌قیمت مانند جنگنده‌های آمریکایی نمی‌تواند امنیت کامل و تهدید صفر را برای این کشورها به بار آورد. در مقابل، ایران

1. Neil Ketchley, Morten S. Andersen & Ole Jacob Sending (2025): *The Chinese are coming! US think tanks and the Belt and Road Initiative in the Middle East and North Africa*, Review of International Political Economy, DOI: 10.1080/09692290.2025.2564680, p. 24.

توانست با تکیه بر دکترین جنگ نامتقارن و با استفاده از جنگ‌افزارهای ارزان‌قیمت، از لایه‌های پدافندی این کشورها عبور کند و مراکز راهبردی آنها را مورد هدف قرار دهد. در واقع ایران از ابزارهای نظامی ارزان‌قیمت خود مثل موشک و پهپاد در کمیت زیاد استفاده کرد و از این طریق توانست برخی تجهیزات نظامی گران‌قیمت و ظاهراً باکیفیت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن‌را در بسیاری از موارد ناکارآمد کند.

بنابراین آمریکا و اسرائیل جنگی را بر ضد ایران آغاز کردند که نقایص تفکر راهبردی مبتنی بر ائتلاف‌سازی با آمریکا و آسیب‌پذیری‌های نظامی و امنیتی این رویکرد را در عمل برملا کرد. در این شرایط، دو راه برای جبران این نقایص و آسیب‌پذیری‌ها متصور است؛ یکی افزایش تعهدات نظامی و امنیتی آمریکا در قبال متحدان منطقه‌ای با هدف جبران این آسیب‌پذیری‌ها و دیگری، تجدیدنظر کشورهای عربی در توافقات و ترتیبات امنیتی با آمریکا و متنوع‌سازی شرکای نظامی و امنیتی خود. با توجه به رویکرد منفی ترامپ نسبت به افزایش تعهدات امنیتی در مناطق مختلف جهان، متحدان عرب آمریکا به سمت گزینه دوم یعنی متنوع‌سازی شرکای نظامی و امنیتی خود حرکت خواهند کرد و روابط نظامی و امنیتی عمیق‌تر و گسترده‌تری با چین، روسیه و اسرائیل برقرار خواهند کرد. تعمیق روابط با اسرائیل با هدف ایجاد نوعی موازنه میان اسرائیل و ایران دنبال خواهد شد.

تهدیدها و فرصت‌های ناشی از رقابت آمریکا و چین برای جایگاه ایران و تاثیر آن بر منافع ملی ایران



تهدیدها

همکاری چین و عربستان: بازی برد - برد یا برد - باخت برای ایران؟

عربستان رقیب منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. هر دو کشور از ظرفیت‌های زیادی برای رقابت راهبردی با یکدیگر برخوردار هستند که یکی از این ظرفیت‌ها، قدرت ائتلاف‌سازی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و چین است. از یک طرف، عربستان از دیرباز یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا در خاورمیانه بوده است و دو کشور از روابط راهبردی در تمام زمینه‌ها برخوردار بوده‌اند. از طرف دیگر، ایران نزدیک به پنج دهه در منازعه با آمریکا بوده است و در مقابل، در صدد ائتلاف‌سازی با روسیه و



چین بوده است. با توجه به تشدید رقابت آمریکا و چین در سال‌های اخیر و حتی احتمال شکل‌گیری منازعه میان دو کشور در سال‌های آینده، ایران روی تعمیق روابط راهبردی با چین در سال‌های آینده حساب ویژه باز کرده است. در این شرایط، چرخش نسبی عربستان به سمت چین در سال‌های اخیر و تعمیق روابط اقتصادی میان دو کشور، نوعی ملاحظه راهبردی برای ایران ایجاد کرده است. اگرچه روابط نزدیک عربستان و چین توانسته برخی مزیت‌ها برای ایران از جمله میانجی‌گری چین میان ایران و عربستان و از سرگیری روابط میان دو کشور را ایجاد کند، اما اگر این نقش‌آفرینی مثبت چین همراه با پیوست اقتصادی برای شکل دادن به روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و عربستان نباشد، این خطر وجود دارد که مصالحه حداقلی سیاسی میان ایران و عربستان منجر به تثبیت و تعمیق روابط اقتصادی میان دو کشور نشود و پایه منفعتی لازم برای استحکام روابط سیاسی شکل نگیرد. بدتر اینکه عربستان به بخشی از پروژه‌های چین‌محور در خاورمیانه و خلیج فارس تبدیل شود که منافع ایران را در نظر نگیرد و حتی مزیت ذاتی ناشی از ژئوپلیتیک ایران را کم‌رنگ کند. اگر مشارکت عربستان در توسعه بندر گوادر پاکستان به عنوان یکی از مهم‌ترین بنادر در شبکه ارتباطی چین‌محور به قیمت کم‌رنگ کردن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ایران به خصوص از طریق مسیرهای بندری جایگزین از جمله بندر چابهار تمام شود، می‌تواند به عنوان تهدیدی برای ایران تلقی شود.^۱ هدف کمیته مشترک سطح بالا بین چین و عربستان به عنوان یک «پلتفرم همکاری نهادی، جامع و سطح بالا»، هماهنگی برای همکاری در انرژی، زیرساخت، تجارت و فناوری‌های با ارزش افزوده بالاست و این ادغام نهادی عمیق، عربستان سعودی را به شریکی ترجیحی و متصل‌تر به قلب ابتکار اقتصادی چین (کمربند راه) تبدیل می‌کند. این امر می‌تواند در بلندمدت، نفوذ و اهرم چین در منطقه را افزایش دهد، در حالی که ایران ممکن است در حاشیه این شبکه‌ی در حال گسترش باقی بماند یا با شرایط سخت‌تری برای جلب همکاری مشابه مواجه شود.^۲ از طرف دیگر، تعمیق روابط عربستان و چین در حوزه سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری به خصوص در پروژه‌هایی مانند پارک صنعتی جیزان عربستان و همچنین سرمایه‌گذاری کلان چین بر صنایع فولاد، پتروشیمی و

1. Ejaz Hussain (2020): *CPEC and the Belt and Road Initiative: Economic Implications for the Greater Middle East*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2020.1728970.

2. Zishi Yang, Le Du & Liping Ding (2020): *The China-Saudi Arabia (Jizan) Industrial Park under the Belt and Road Initiative*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2020.1841990, pp. 2-7.

انرژی‌های تجدیدپذیر عربستان می‌تواند تمایل چین به سرمایه‌گذاری در ایران حتی در صورت رفع تحریم‌های بین‌المللی را کاهش دهد و موازنه اقتصادی و ژئوپلیتیک منطقه را به زیان ایران تغییر دهد. بنابراین ایران، عربستان و چین باید ساز و کاری برای طراحی بازی‌های برد - برد در حوزه اقتصادی تعریف کنند که در آن، چین به عنوان یک قدرت اقتصادی عظیم، روابط متوازی با دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان برقرار کند.

برای بررسی تاثیر جنگ رمضان بر رابطه چین با ایران و عربستان ابتدا باید نوع رابطه پیش از این جنگ را بررسی کنیم. از یک‌طرف، عربستان با راهبرد هجینگ^۱ (مصون‌سازی) به دنبال بهره‌برداری اقتصادی از روابط همزمان با آمریکا و چین بود. از طرف دیگر، ایران با رویکرد موازنه‌سازی در صدد بود با گسترش روابط با رقبای آمریکا یعنی چین و روسیه، فشارهای آمریکا را مهار کند. پیامدهای جنگ رمضان و آشکار شدن آسیب‌پذیری‌های نظامی و امنیتی عربستان منجر به تجدیدنظر این کشور در برخی جنبه‌های راهبرد هجینگ خواهد شد. به نظر می‌رسد که این کشور برای رفع آسیب‌پذیری‌های امنیتی و نظامی آشکار شده خود در این جنگ، درصد متنوع‌سازی شرکای نظامی و امنیتی خواهد بود. قرارداد پهبادی عربستان با اوکراین را می‌توان نشانه‌ای از این تمایل دانست. اگر این روند به شکل پایدار ادامه یابد، می‌توان انتظار داشت که راهبرد هجینگ عربستان که پیش از این عمدتاً در حوزه اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری با چین دنبال می‌شد، به حوزه امنیتی و نظامی هم تسری یابد و در این صورت، شاهد گسترش و تعمیق روابط امنیتی و نظامی عربستان با چین باشیم. در صورت تحقق این سناریو، سه ملاحظه برای ایران وجود خواهد داشت؛ اول، گسترش روابط نظامی و امنیتی عربستان با چین به معنای کاهش نفوذ نظامی امنیتی آمریکا در منطقه خواهد بود و این می‌تواند در راستای راهبرد کلان ایران مبنی بر کاهش تدریجی توان نظامی آمریکا در منطقه تلقی شود. دوم، گسترش و تعمیق روابط عربستان با چین منجر به تسهیل دسترسی چین به منابع انرژی عربستان خواهد شد و در این صورت، قدرت چانه‌زنی ایران در فروش نفت به چین کاهش خواهد یافت. سوم؛ گرم‌تر شدن روابط عربستان با چین باعث نزدیکی مواضع چین به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس درباره موضوعات چالش‌برانگیز منطقه‌ای از جمله حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه خواهد شد. در مجموع نباید فراموش کرد که ماهیت راهبرد کلان چین در خاورمیانه همچنان

1. Hedging

ژئواکونومیک است و در کوتاه‌مدت نمی‌توان انتظار تغییر سریع این راهبرد به سمت راهبرد ژئوپلیتیک را داشت، ولی سناریوی مطلوب میان‌مدت و بلندمدت برای ایران این است که کنشگری چین در خاورمیانه در راستای ایجاد ثبات و توازن منطقه‌ای میان بازیگران درون منطقه‌ای و افزایش قدرت چانه‌زنی با بازیگران فرامنطقه‌ای عمل کند. در این صورت، چین به بازیگری صلح‌ساز، توافق‌گرا و تسهیل‌گر مناسبات میان ایران و عربستان بدل خواهد شد.

تهدید رقابت قدرتها در آسیای مرکزی برای ایران

یکی از ظرفیت‌های راهبردی ایران، دسترسی‌های جغرافیایی برای توسعه کریدورهای مواصلاتی شرق - غرب و شمال - جنوب است. ایران را می‌توان نقطه اتصال دهنده این دو کریدور دانست. در صورتی که این مزیت ایران به دلیل توسعه کریدور میانی کاهش یابد، این می‌تواند تهدید راهبردی برای ایران تلقی شود و نوعی انزوا و حتی خفگی ژئوپلیتیک برای ایران ایجاد کند. همچنین گسترش نفوذ آمریکا و اروپا در آسیای مرکزی در قالب ساز و کار C5+1 با هدف کاهش نفوذ چین و روسیه، می‌تواند به معنای محدودتر شدن فضای مانور ایران در آسیای مرکزی نیز باشد. در همین راستا، آمریکا در صدد ایجاد زنجیره‌های تأمین بدون چین^۱ و اعمال کنترل‌های صادراتی در آسیای مرکزی است و این اقدام می‌تواند همکاری‌های فناورانه و اقتصادی ایران با کشورهای منطقه را نیز تحت تأثیر قرار دهد، زیرا شرکت‌ها از ترس تحریم‌های ثانویه آمریکا محتاط‌تر خواهند شد.^۲

تهدید تحریم‌های آمریکا و دوری شرکت‌های بزرگ چینی از بازار ایران

اصولاً شرکت‌های بزرگ در زنجیره تأمین جهانی ادغام شده‌اند و در نتیجه، نسبت به تعرفه‌ها و محدودیت‌های تحریمی حساسیت زیادی دارند. شرکت‌های بزرگ چینی در حوزه فناوری ارتباطات (مانند هواوی یا زدتی‌تی) که سهم بزرگی در بازارهای آمریکا و اروپا دارند، برای اجتناب از «اثر هدفمند»^۳ تحریم‌های آمریکا از ایران دوری

1. De-Sinicization

2. Qiang Xiaoyun et. al. (2024) *China-Central Asia Mechanism Construction: A New Driver for Eurasian Cooperation*, Yunjie, SIIS Report,

3. Targeted Effect



می‌کنند. این شرکت‌ها برای «ریسک‌زدایی»^۱ از سبد سرمایه‌گذاری خود، عطای بازار ایران را به لقایش می‌بخشند تا دسترسی به بازارهای جهانی را از دست ندهند. در اینجا با تفوق منطق اقتصادی بر منطق همسویی سیاسی مواجه هستیم. به این معنا که علی‌رغم همسویی سیاسی ایران و چین، منطق اقتصادی و تثبیت منافع شرکت‌ها، قوی‌تر از این همسویی سیاسی عمل می‌کند و منجر به محافظه‌کاری در ورود به بازار ایران و حتی تداوم حضور در آن می‌شود. بنابراین ریسک‌های کلان ناشی از تنش آمریکا باعث می‌شود این شرکت‌ها ایران را بازاری پرخطر بدانند و از آن دوری کنند.^۲

فرصت‌ها

علی‌رغم تهدیدهای پیش‌گفته، رقابت آمریکا و چین در حوزه پیرامونی ایران می‌تواند برخی فرصت‌های بالقوه هم برای ایران ایجاد کند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مهم در خاورمیانه و آسیای مرکزی، می‌تواند خود را به عنوان شریکی ضروری برای تضمین امنیت و ثبات در این مناطق تعریف کند. ایران به لحاظ ژئوپلیتیک، حوزه اتصال دهنده بینا منطقه‌ای است و در شرایطی که تکوین و تثبیت زنجیره‌های ارزش جهانی از اهمیت روزافزونی برای همه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برخوردار شده است، ایران می‌تواند از این ویژگی ذاتی خود بهره‌برداری کرده و زمینه پیوند راهبردی خود با ابرپروژه‌های جهانی در حوزه پیرامونی خود را فراهم کند. در ادامه به برخی از فرصت‌های بالقوه ایران اشاره می‌شود.

فرصت‌های کربدوری ایران

تضاد منافع آمریکا و چین در منطقه می‌تواند اهرم چانه‌زنی ایران را افزایش دهد. ایران می‌تواند با مدیریت هوشمندانه روابط با این دو قدرت، منافع ملی خود را بهتر دنبال کند و از رقابت آن‌ها برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای و امنیتی خود بهره‌برد. رقابت راهبردی بین قدرت‌های بزرگ، فضای مناسبی را برای کشورهای مانند

1. De-risking

2. Samantha A. Vortherms & Jiakun Jack Zhang (2024) *Political risk and firm exit: evidence from the US–China Trade War*, Review of International Political Economy, 31:6, 1814-1839, DOI: 0.1080/09692290.2024.2351841,



ایران که دارای موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک هستند ایجاد می‌کند تا با بهره‌گیری از این موقعیت، نقش‌آفرینی منطقه‌ای خود را تقویت و فرصت‌های اقتصادی و دیپلماتیک جدیدی ایجاد کنند. کلید بهره‌برداری از این فرصت‌ها، ارائه طرح‌های جذاب مانند کریدورهای ترانزیتی، حفظ ثبات داخلی و امنیت مرزها و انجام دیپلماسی فعال و متوازن با تمام بازیگران اصلی است. ایران با موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود می‌تواند به عنوان یک کریدور جایگزین یا مکمل حیاتی برای انتقال کالا و انرژی بین شرق و غرب (چین به اروپا/ خلیج فارس) مطرح شود. این امر با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ریلی، جاده‌ای و بندری و ادغام آنها با شبکه‌های چین و اوراسیا محقق خواهد شد.^۱

ایران نقطه اتصال چین به خلیج فارس، قفقاز و روسیه است. از این رو باید خود را به عنوان یک «متوازن‌کننده» و شریک ارتباطی جایگزین تعریف کند. ایران می‌تواند با تقویت کریدورهای حمل‌ونقل شمال-جنوب و شرق-غرب و از جمله توسعه بندر چابهار، خود را به عنوان یک مسیر جایگزین و مطمئن برای اتصال بازارهای آسیایی (از جمله چین) به خلیج فارس، عراق، قفقاز و روسیه معرفی کند. این امر می‌تواند وابستگی چین به مسیرهای دیگر را کاهش دهد و همزمان، با جذب سرمایه‌گذاری یا فناوری از طرف‌های دیگر مانند هند، روسیه یا حتی اروپا، آسیب‌پذیری خود در مقابل بحران‌های ژئوپلیتیک را کاهش دهد.^۲ ایران می‌تواند با دیپلماسی فعال و پیشنهاد ادغام پروژه‌های زیربنایی خود (مانند چابهار) در شبکه گسترده‌تر همکاری‌های منطقه‌ای، نشان دهد که منافع اقتصادی مشترک می‌تواند بر رقابت‌های ژئوپلیتیک غلبه کند. به نظر می‌رسد که مشارکت در پلتفرم‌های اقتصادی فرامنطقه‌ای می‌تواند هزینه درگیری را افزایش و تمایل به صلح را افزایش دهد. ایران می‌تواند از این منطق برای کاهش انزوای خود و تبدیل شدن به یک عامل اتصال‌دهنده به جای یک نقطه انفکاک استفاده کند. تسریع در توسعه بندر چابهار و کریدور ارتباطی شمال-جنوب، راهکار مکمل و جایگزین استراتژیک برای دسترسی به بازارهای

1. Ahmet Faruk Isik & Zhiqiang Zou (2019): *China-Turkey Security Cooperation Under the Background of the 'Belt and Road' and the 'Middle Corridor' Initiatives*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2019.1605572.

2. Luiza Kostecka-Tomaszewska and Monika Krukowska (2020) *Europe between China and the United States_ Goeconomic Implications of the Belt and Road Initiative*, European Research Studies Journal, Vol. XXIII, Issue. 1.



آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه محسوب می‌شود. این امر می‌تواند وابستگی چین به مسیرهای انحصاری از طریق پاکستان را کاهش دهد و در عین حال، هند و سایر بازیگران را نیز در یک پلتفرم اقتصادی فراگیر مشارکت دهد. این دقیقاً با منطق «ایجاد سهم برای کشورهای غیرعضو» همسوست.^۱

ایران می‌تواند از نیازهای قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا و چین به تنوع‌بخشی به زنجیره‌های ارزش جهانی و مسیرهای تجاری در راستای جایگاه‌یابی در شبکه ژئواکونومیک پیرامونی خود استفاده کند. سیاست صنعتی‌سازی آمریکا و چین مستلزم ایجاد و حفظ زنجیره‌های تامین امن و دسترسی به بازارهای جدید است و این می‌تواند ظرفیت ایران به عنوان یک بازار با پتانسیل بالا و کریدور ترانزیتی بالقوه و امن برای دو طرف را برجسته کند. موقعیت ایران می‌تواند در تنوع‌بخشی به زنجیره تامین یا مسیرهای تجاری تأثیر زیادی داشته باشد. قواعد بازی اقتصاد جهانی به سمت رویکرد ژئواکونومیک فناوری‌محور و مداخله‌گرایی دولتی مشروع تغییر مسیر داده است و ایران می‌تواند نقش خود را در این پارادایم جدید بازتعریف کند. لازمه این امر، اجتناب از درگیری مستقیم در صف‌آرایی‌های حداکثری قدرت‌های جهانی، اتخاذ هوشمندانه سیاست‌های صنعتی و فناوری‌محور در چارچوب این جریان جهانی و ارائه مدل همکاری اقتصادی و ترانزیتی جذاب در شرایطی است که هر دو طرف رقابت، به دنبال کاهش ریسک وابستگی و یافتن راه‌های جایگزین هستند.^۲

یکی از پیامدهای جنگ رمضان آمریکا و اسرائیل با ایران ایجاد انسداد در تنگه هرمز است. کریدورهای جنوبی - شمالی ایران به دلیل کنترل شدید ایران بر تنگه هرمز و محاصره دریایی ایران توسط آمریکا عملاً از کار افتاده یا به شکل محدود مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین از یک‌سو، آمریکا با محاصره بنادر ایران، اقتصاد ایران را زیر فشار قرار داده و از سوی دیگر، ایران با قاعده‌گذاری‌های جدید در گلوگاه انرژی جهان، به اقتصاد جهانی فشار وارد می‌کند. بنابراین نوعی رقابت برای تاب‌آوری میان اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی برقرار شده و هر کدام بیشتر تاب بیاورند، پیروز این

1. Ejaz Hussain (2020): *CPEC and the Belt and Road Initiative: Economic Implications for the Greater Middle East*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2020.1728970. p. 15
2. Zishi Yang, Le Du & Liping Ding (2020): *The China-Saudi Arabia (Jizan) Industrial Park under the Belt and Road Initiative*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2020.1841990.



ماراتن راهبردی خواهند بود. پیش‌بینی میزان تاب‌آوری دو سوی این معادله به دو عامل بستگی دارد؛ یکی تمهیدات و آمادگی‌های قبلی دو طرف برای حفظ پایداری در شرایط جنگی و دوم، وجود گزینه‌های بدیل برای جبران زیان‌های ناشی از انسداد تنگه هرمز. به نظر می‌رسد که ایران از آمادگی ذهنی و میدانی بیشتری برای مقابله با این وضعیت برخوردار بوده است. ظاهراً ارزیابی شورای عالی امنیت ملی ایران در پائیز ۱۴۰۴ این بوده است که آمریکا و اسرائیل اوایل زمستان ۱۴۰۴ مجدداً به ایران حمله خواهند کرد. و بر اساس همین ارزیابی، ذخیره‌سازی کالاهای اساسی برای تاب‌آوری در دوره نسبتاً طولانی جنگ انجام شده است. اما در طرف مقابل، ترامپ به هشدار فرماندهان ارشد نظامی آمریکا مبنی بر احتمال مسدودسازی و مین‌ریزی تنگه هرمز توسط ایران توجه نکرده و پیش‌بینی‌اش این بوده است که ترور مقامات و فرماندهان ارشد ایران منجر به سقوط سریع نظام سیاسی خواهد شد و کار به مسدودسازی تنگه هرمز نخواهد رسید.

در مورد گزینه‌های بدیل دو طرف، به نظر می‌رسد که ایران بخشی از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم از جمله گندم و غلات را از طریق کریدور شمالی یعنی دریای خزر و از طریق روسیه تامین خواهد کرد. روسیه یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گندم در جهان است و برقراری این زنجیره تامین کالای اساسی از طریق دریای خزر می‌تواند اثرات منفی انسداد تنگه هرمز را جبران کند. از سوی دیگر، اقتصاد جهانی نیز دو گزینه بدیل پیش‌رو دارد؛ یکی، استفاده از ذخایر راهبردی نفت است که بعد از بسته شدن تنگه هرمز، کشورهای صنعتی جهان مجبور شدند بیش از ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از ذخایر راهبردی خود یعنی حدود یک سوم کل ذخایرشان را وارد بازار کنند. با وجود این آزادسازی ذخایر، قیمت هر بشکه نفت برنت همچنان در حدود ۱۰۰ دلار یعنی ۴۰ دلار بالاتر از قیمت آن قبل از شروع جنگ است. گزینه دوم، به کارگیری خطوط لوله انتقال نفت از خاک عربستان برای دور زدن تنگه هرمز است. حداکثر ظرفیت این خطوط لوله حدود هفت میلیون بشکه در روز است و نمی‌تواند کل ۲۰ میلیون بشکه نفت صادراتی از خلیج فارس را جبران کند و بازار به طور روزانه با کمبود حدود ۱۳ میلیون بشکه مواجه خواهد بود. ضمن اینکه افزایش ظرفیت این خطوط به حداقل سه سال زمان و صرف هزینه‌های هنگفت نیاز دارد و تاثیری بر تأمین نیازهای فوری بازار نخواهد داشت.

در مجموع به نظر می‌رسد که جنگ رمضان و مسدود شدن تنگه هرمز در کوتاه‌مدت،



موقعیت راهبردی ایران را به عنوان بازیگر مسلط بر شاهراه انرژی جهان تثبیت کرد ولی باید پذیرفت که مسدودسازی این آبراه، ضربه‌ای کاری به جایگاه کریدورهای دریایی وارد کرد و کشورها برای کاهش آسیب‌پذیری مسیرهای تجاری‌شان در مواقع بحرانی، به سمت توسعه و افزایش ظرفیت کریدورهای خشکی محور حرکت خواهند کرد. این مسئله می‌تواند هزینه حمل و نقل و تبادلات تجاری را تا حدود ۲۵ درصد افزایش دهد.

فرصت‌های چندجانبه نهادی ایران

رقابت فزاینده قدرت‌های جهانی در حوزه پیرامونی ایران در عین برخی تهدیدها، می‌تواند فضای مانور دیپلماتیک و اقتصادی برای ایران فراهم کند؛ به شرطی که ایران قواعد مشارکت و همکاری نهادی را در رفتارهای سیاست خارجی در نظر داشته باشد و تا حد امکان، مطابق آنها عمل کند. تعمیق مشارکت در ایران در نهادها و ابتکارات تحت رهبری چین مانند سازمان همکاری شانگهای، بریکس و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا به چیزی فراتر از عضویت صرف در این نهادها نیاز دارد و آن، تنظیم کنش‌ها و گفتارهای سیاست خارجی در راستای بهره‌مندی از فرصت‌های عضویت در این نهادهاست.^۱ اگر چه این نهادها به عنوان بدیلی برای نهادهای غربی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول محسوب می‌شوند، اما افزایش نقش و جایگاه این نهادها در عرصه جهانی جز از طریق همکاری و زیست مسالمت‌آمیز با نظم نهادی موجود و در یک بازه زمانی طولانی محقق نخواهد شد. هرگونه نگاه غیرواقع‌بینانه به ظرفیت این نهادها و انتظارات فزاینده کوتاه مدت از عضویت در آنها برای کشوری مانند ایران که با چالش‌ها و محدودیت‌های جهانی متعدد روبروست، منافی منطق عقلانی در سیاست خارجی است.^۲ عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که ایران با تقویت پیمان‌های اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای و بازیگری دیپلماتیک فعال برای کاهش تنش‌ها در خلیج

1. Ahmet Faruk Isik & Zhiqiang Zou (2019): *China-Turkey Security Cooperation Under the Background of the 'Belt and Road' and the 'Middle Corridor' Initiatives*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2019.1605572.

2. Haijie Yu (2021) *China-Turkey Strategic Docking and Cooperation under the Belt and Road Initiative: Progress, Challenges and Prospects*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 15:2, 254-273, DOI: 10.1080/25765949.2021.1928411, p. 254



فارس، جایگاه خود را به عنوان عامل ثبات منطقه‌ای ارتقا دهد. ثبات منطقه‌ای منافع اقتصادی همه بازیگران از جمله چین و حتی آمریکا را تأمین می‌کند و ایران می‌تواند از این موقعیت برای جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری استفاده کند.^۱ در عصر ژئواکونومی، کشورها می‌توانند با هوشمندی، رقابت قدرت‌های بزرگ را به فرصتی برای افزایش اهرم، جذب سرمایه و افزایش استقلال راهبردی تبدیل کنند.^۲

مطالعات در چارچوب نظریه چانه زنی نشان می‌دهد که چین با وجود داشتن موضع قدرتمندتر در تعاملات اقتصادی با کشورهای دیگر به خصوص در حوزه دیپلماسی پروژه‌های زیرساختی^۳ مجبور است برای به دست آوردن اهداف راهبردی خود، برخی عقب‌نشینی‌ها در مقابل دولت‌های دیگر داشته باشد و برخی امتیازات را به آن بدهد. قدرت نامتقارن یا همان قدرت چانه‌زنی کشور میزبان سرمایه‌گذاری‌های چینی، زمانی بیشتر می‌شود که پروژه‌های سرمایه‌گذاری، بخش حیاتی از پروژه‌های کلان منطقه‌ای چین و پروژه‌های مشترک میان چند کشور باشد. در این صورت، احتمال امتیازگیری بیشتر از چین وجود خواهد داشت.^۴

برخی کشورها مانند اندونزی توانسته‌اند از طریق متنوع‌سازی روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، قدرت چانه زنی نامتقارن خود با چین را افزایش دهند. به عنوان نمونه، اندونزی از دو قرارداد پیشنهادی ژاپن و چین در مناقصه ساخت خط آهن سریع السیر جاکارتا - باندونگ به ارزش ۵,۵ میلیارد دلار استفاده کرد و توانست نهایتاً قرارداد متوازی با شرکت‌های چینی امضا کند. در مقابل، برخی کشورها مانند لائوس که گزینه‌های بدیلی در مقابل چین نداشتند، مجبور شدند شرایط نامناسب چین از جمله نرخ بهره ۲,۳ درصدی برای بازپرداخت وام‌های اعطایی چین برای ساخت پروژه خط آهن سریع السیر چین - لائوس (شهر Boten در مرز چین - لائوس پایتخت لائوس یعنی Vientiane) و همین‌طور امکان بهره‌برداری از معادن پتاس این کشور را بپذیرد.^۵

1. Luiza Kostecka-Tomaszewska and Monika Krukowska (2020) *Europe between China and the United States_ Geoeconomic Implications of the Belt and Road Initiative*, European Research Studies Journal, Vol. XXIII, Issue. 1.

2. Ibid.

3. Infrastructure Diplomacy

4. Yoon Ah Oh (2018): *Power asymmetry and threat points: negotiating China's infrastructure development in Southeast Asia*, Review of International Political Economy, DOI: 10.1080/09692290.2018.1447981, pp. 9-20

5. Yoon Ah Oh (2018): *Power asymmetry and threat points: negotiating China's infrastructure development in Southeast Asia*, Review of International Political Economy, DOI: 10.1080/09692290.2018.1447981, pp. 13-15.

چنانچه وضع تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های یکجانبه آمریکا به همین شکل تداوم یابد، ریسک تعامل اقتصادی با ایران افزایش خواهد یافت و ایران نه تنها گزینه‌های بدیل برای چانه زنی با چین (مانند گزینه بدیل ژاپن برای اندونزی و تایلند) نخواهد داشت بلکه ایران مجبور خواهد بود برای رفع مشکلات اقتصادی خود، بخشی از شرایط نامطلوب چین را هم بپذیرد. ایران باید از یک طرف، در صد رفع یا کاهش فشارهای تحریمی از طریق دیپلماسی فعال با آمریکا و در نتیجه متنوع سازی شرکای تجاری و اقتصادی خود باشد و از طرف دیگر، با استفاده از ساز و کارهای چندجانبه نهادی مانند شانگهای و بریکس، گزینه‌های تعاملات اقتصادی خود را متنوع تر کند و از ضوابط و رویه‌های این نهادها در جهت برقراری روابط اقتصادی متوازن تر با کشورهایی مانند چین استفاده کند. تمرکززدایی در روابط راهبردی می‌تواند فضای مانور بیشتری برای کشورهایی مانند ایران ایجاد کند تا بدون مواجهه با حساسیت یا مخالفت حداکثری هر یک از این دو قدرت آمریکا و چین، به توسعه روابط اقتصادی و فناوری خود با طرف دیگر یا با بازیگران ثالث بپردازند. به بیان دیگر، فضای رقابت دوقطبی فشرده می‌تواند فضای چندجانبه‌گرایی عملی را در مناطق پیرامونی افزایش دهد.^۱

یکی از شروط اصلی بهره گیری ایران از این فضای چندجانبه گرایی عملی این است که پروژه‌های اقتصادی، بخشی از پروژه‌های کلان منطقه‌ای چین باشد که در این صورت، ایران می‌تواند قدرت چانه زنی بیشتری در تعامل با چین پیدا کند.^۲ یکی از زمینه‌های مهم برای ادغام ایران در پروژه‌های کلان منطقه‌ای، ابتکار کمربند راه است. ایران با تعریف پروژه‌های مشترک در قالب طرح های کمربند راه هم می‌تواند از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری چندجانبه بهره‌مند شود. هم در شکل‌دهی به قواعد و هنجارهای اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای نقش بیشتری داشته باشد. محیط ژئواکونومیک در حوزه پیرامونی ایران به شدت در حال تغییر است و کشورها در حال تنوع‌بخشی به شرکا و جستجوی پلتفرم‌های جدید برای اتصال به بازارهای جهانی هستند. تنش‌های ژئوپلیتیک (مانند روابط ایران و آمریکا) به عنوان مزاحم برای این همکاری‌های اقتصادی بالقوه تلقی می‌شوند. فرصت اصلی ایران در این بستر، تبدیل شدن از یک «عامل تنش‌زا» به یک «عامل اتصال‌دهنده» و «ارائه‌دهنده

1. Kevin Honglin Zhang (2024) *Geoeconomics of US-China tech rivalry and industrial policy*, Asia and the Global Economy 4.

2. Ibid.



راه‌حل‌های جایگزین» و استفاده از مزیت جغرافیایی منحصر به فرد، منابع انرژی و پتانسیل کریدورهای حمل‌ونقل خود است. منطق اقتصادمحور طرح کمربند راه می‌تواند به کاهش تنش‌های سیاسی منجر شود و کلید موفقیت در این مسیر، ارائه طرح‌های عملی، شفاف و سودآور است که منافع مشترک ایران و شرکای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را در چهارچوب یک نظم اقتصادی در حال ظهور تأمین کند.^۱

فرصت جذب سرمایه در ایران

ایران می‌تواند با تدوین بسته‌های سرمایه‌گذاری جذاب و امن در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله در حوزه انرژی (نفت، گاز، پتروشیمی) و زیرساخت‌های مرتبط، مستقیماً از نیاز روزافزون چین به انرژی بهره‌برد. همکاری در ساخت پالایشگاه، خطوط لوله و شبکه‌های انتقال انرژی می‌تواند ایران را به یک شریک انرژی مطمئن و راهبردی برای چین تبدیل کند، به‌ویژه با توجه به تنوع‌بخشی چین به منابع و مسیرهای تأمین انرژی.^۲ استفاده از ظرفیت‌های بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی در این زمینه می‌تواند مفید باشد. چین با تاسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی در سال ۲۰۱۶ به عنوان رقیب بانک جهانی زمینه را برای حمایت از پروژه‌های زیرساختی مانند شبکه‌های حمل و نقل، انرژی و بنادر برای ۵۷ عضو خود فراهم کرده است. ایران به عنوان یکی از اعضای این بانک، به شدت نیازمند نوسازی ناوگان حمل و نقل و زیرساخت‌های انرژی است و از این می‌تواند از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی این بانک به خصوص در پروژه‌های کلان زیرساختی در کریدورهای شمال جنوب و شرق غرب با مدل تأمین مالی چینی با مشارکت کشورهای پیرامون خود استفاده کند. توسعه بنادر و مسیرهای کریدوری به عنوان نقاط اتصال با کشورهای پیرامون، توسعه شبکه حمل‌ونقل به خصوص راه آهن که نقاط اتصال با کشورهایی مانند عراق را برقرار می‌کند از جمله مهم‌ترین پتانسیل‌ها برای بهره‌برداری از ظرفیت بانک زیرساخت آسیایی است.^۳

1. Ejaz Hussain (2020): *CPEC and the Belt and Road Initiative: Economic Implications for the Greater Middle East*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2020.1728970. pp. 15-16.

2. Ibid., p. 4.

3. Jing Qian, James Raymond Vreeland & Jianzhi Zhao (2025) *In-group punishment in international relations: US reactions to the founding of China's AIIB*, Review of International Political Economy, 32:4, 1073-1099, DOI: 10.1080/09692290.2025.2504452, p. 287

گرچه آمریکا از نقش آفرینی این بانک در رقابت بانک جهانی رضایت چندانی ندارد و حتی در صدد اعمال فشار و تنبیه درون گروهی^۱ کشورها برای خروج از پروژه‌های این بانک است، اما بسیاری از متحدان آمریکا، منافع ناشی از پروژه‌های این بانک را بر هزینه‌های ناشی از فشار آمریکا ترجیح می‌دهند و این می‌تواند زمینه‌ای برای تعریف پروژه‌های مشترک میان ایران و کشورهای همسایه برای استفاده از منافع مالی و سرمایه‌گذاری این بانک شود. همسایگان ایران مانند ترکیه یا پاکستان نشان داده‌اند که حاضرند هزینه نارضایتی آمریکا را برای جذب سرمایه چینی بپردازند. ایران نیز می‌تواند رفع موثر تحریم‌ها را به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود تبدیل کند و در عین حال، چارچوب‌های اکوسیستمی شفاف برای مشارکت خارجی، با تأکید بر انتقال فناوری، اشتغال‌زایی محلی و پایداری مالی پروژه‌ها برای جذب سرمایه‌گذاران چینی و غیرچینی تعریف کند. این رویکرد باعث می‌شود هم از سرمایه چین بهره‌برد و هم از منطق رقابتی آمریکا و اروپا (که نگران استانداردهای چین هستند) برای ارتقای کیفیت قراردادها و تضمین منافع ملی خود استفاده کند.^۲

فرصت در حوزه فناوری

ظهور دولت‌گرایی فناورانه (تکنواستاتیسم) جهانی و تکنوناسیونالیسم به‌این معناست که بدبینی مفرط گذشته به نقش آفرینی دولت در حوزه‌های زیرساختی اقتصاد تا حدودی کمرنگ شده است. بنابراین دولت‌های کارآمد و چابک می‌توانند تأثیرات مثبت در اقتصاد داشته باشند. این وضعیت می‌تواند زمینه را برای بهبود سیاست‌های صنعتی و فناوری محور ایران و حمایت از صنایع داخلی از طریق طراحی برنامه‌های هدفمند مانند توسعه زیست بوم فناوری‌های خاص متناسب با روندهای جهانی فراهم کند.^۳ عربستان تا حدی در این مسیر گام برداشته است. پارک صنعتی جیزان به عنوان یک «پروژه سرمایه‌گذاری بزرگ برای تعمیق همکاری ظرفیت تولید بین چین و عربستان» نمونه‌ای از سیاست‌های تشویقی از جمله وام‌های ترجیحی، معافیت‌های مالیاتی و یارانه آموزش نیروی کار برای جذب سرمایه خارجی است.

1. In-group punishment

2. Qian et. al., Ibid.

3. Zishi Yang , Le Du & Liping Ding (2020): *The China-Saudi Arabia (Jizan) Industrial Park under the Belt and Road Initiative*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, DOI: 10.1080/25765949.2020.1841990.

ایران نیز می‌تواند مدل پارک‌های صنعتی مشترک با سیاست‌های تشویقی هدفمند برای جذب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی استفاده کند.^۱

الگوی همکاری چین و ترکیه در زمینه فناوری هم می‌تواند مفید باشد. این دو کشور بر «توسعه با کیفیت بالا»، «بهینه‌سازی ساختار صنعتی» و «صنایع با فناوری پیشرفته و نوظهور» در برنامه‌های توسعه داخلی خود تأکید دارند. در این قالب، پروژه‌های مختلفی به اجرا درآمده است. استفاده ترکیه از ظرفیت‌های صنعتی و فناورانه چین و استفاده چین از موقعیت و دسترسی‌های ترکیه می‌تواند به عنوان بازی برد برد برای هر دو کشور تلقی شود. ایران نیز می‌تواند با سازگار کردن برنامه‌های توسعه ملی خود (مانند نقشه راه علمی و فناوری کشور) با اولویت‌های مشترک با کشورهای برخوردار از فناوری بالا از جمله چین، جذابیت خود را به عنوان مقصدی برای سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری این کشورها افزایش دهد. همکاری ایران و چین در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، زیرساخت‌های دیجیتال، تولید صنعتی پیشرفته و تحقیقات مشترک می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.^۲

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی



استدلال اصلی گزارش این است که چنانچه ایران رویکرد منفعلانه در قبال رقابت ژئواکونومیک آمریکا و چین در حوزه پیرامونی خود را دنبال کند، قربانی این رقابت خواهد شد؛ اما اگر سیاست فعال و هوشمند اتخاذ کند، می‌تواند از این رقابت برای افزایش گزینه‌های ژئواکونومیک خود استفاده کند. در این راستا، چند پیشنهاد سیاستی و عملیاتی در قالب محورهای الف) راهبرد کلان ژئواکونومیک، ب) کریدورها، ترانزیت و لجستیک، ج) مالی، ارزی و نظام پرداخت، د) انرژی، صنعت و اقتصاد سبز و ه) نهادسازی و دیپلماسی اقتصادی ارائه می‌شود.

1. Ibid., p. 6.

2. Haijie Yu (2021) *China-Turkey Strategic Docking and Cooperation under the Belt and Road Initiative: Progress, Challenges and Prospects*, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 15:2, 254-273, DOI: 10.1080/25765949.2021.1928411.

الف) راهبرد کلان ژئواکونومیک

۱. تدوین «سند ملی سیاست خارجی توسعه‌گرای ایران»؛ دولت با مشارکت اتاق بازرگانی، یک سند بالادستی مستقل برای طرح ریزی سیاست خارجی توسعه‌گرا با تمرکز بر بازتعریف راهبردها و راهکارهای سیاست خارجی در شرایط رقابت قدرتهای بزرگ تهیه کند.
۲. پذیرش رسمی راهبرد «پوشش ریسک ژئواکونومیک» به عنوان زمینه متنوع‌سازی شرکای تجاری ایران و اجتناب از وابستگی به برخی قدرتها
۳. تعریف ایران به عنوان «بازیگر ثالث فعال در رقابت آمریکا و چین» نه متحد بلوکی
۴. اولویت دادن به منافع تجاری در سیاست همسایگی و گذار از سیاست شعاری به سمت پروژه‌های ملموس تجاری و لجستیکی

ب) کریدورها، ترانزیت و لجستیک

۱. تمرکز فوری بر فعال‌سازی کریدورهای کم‌هزینه و کم‌تحریم به‌ویژه کریدورهای ریلی و جاده‌ای که نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی سنگین نیستند.
۲. فعال‌سازی کامل ظرفیت کنونی و سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت بنادر انزلی، نوشهر و امیرآباد در ساحل دریای خزر برای تأمین کالای اساسی از کشورهای ساحلی خزر از جمله روسیه (گندم)، قزاقستان (گوشت) و ...
۳. جذب سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های توسعه در مسیرهای خشکی پایه طرح کمربند - راه برای تسهیل تبادلات تجاری ایران و چین از طریق مرزهای شمالی ایران.
۴. بهره‌گیری هوشمندانه از «اهرم تنگه هرمز» بدون افتادن در تله جایگزینی دائمی
۵. اصلاح فوری مقررات گمرکی و ترانزیتی که مستلزم همسان‌سازی مقررات ایران با استانداردهای کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه است.
۶. تشکیل کنسرسیوم‌های لجستیکی ایرانی - منطقه‌ای با مشارکت بخش خصوصی ایران، ترکیه، قزاقستان، آذربایجان و ازبکستان.



۷. سرمایه‌گذاری هدفمند در گلوگاه‌های ریلی داخلی با هدف روان سازی شبکه.
۸. تبدیل بنادر جنوبی به هاب ترکیبی (دریا-ریل-جاده) با تمرکز بر کالاهای ترانزیتی غیرنفتی.
۹. هم‌افزایی با طرح‌های مکمل کمربند و راه کشورهای منطقه مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان یا سیاست جاده روشن قزاقستان، بدون وابستگی مستقیم به سرمایه چین.

ج) مالی، ارزی و نظام پرداخت

۱. توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه منطقه‌ای مانند گسترش پیمان‌های پولی با چین، ترکیه، روسیه و آسیای مرکزی.
۲. نهادینه‌سازی استفاده از ارزهای محلی در تجارت از طریق دستورالعمل‌های شفاف برای بخش خصوصی جهت کاهش ریسک نوسانات.
۳. ایجاد اتاق معاملات پایاپای یا تهاتری منطقه‌ای که می‌تواند تبادلات میان کشورهای تحت فشار تحریمی یا مایل به دور زدن دلار را تسهیل و تسریع کند.
۴. جذب بانک‌های منطقه‌ای غیرغربی به مناطق آزاد ایران با تمرکز بر بانک‌های آسیایی و اوراسیایی.

د) انرژی، صنعت و اقتصاد سبز

۱. گذار تدریجی ایران از مزیت صرف نفتی به مزیت لجستیکی - انرژی و ایفای نقش گره اتصال انرژی
۲. سرمایه‌گذاری مشترک منطقه‌ای در انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه با کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس.
۳. ورود فعال به زنجیره ارزش انرژی سبز مانند زنجیره تولید باتری، شبکه‌های یکپارچه هوشمند و خدمات فنی مهندسی انرژی.
۴. استفاده از انرژی به‌عنوان اهرم همکاری با کشورهای دیگر در زمینه سوپ،

ذخیره‌سازی، خدمات فنی و ترانزیت انرژی.

۵. حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان انرژی‌محور با هدف حضور در پروژه‌های منطقه‌ای غیرتحریمی.

۶. سرمایه‌گذاری پیش‌دستانه در انرژی‌های تجدیدپذیر با همکاری چین

ه) نهادسازی و دیپلماسی اقتصادی

۱. نقش‌آفرینی فعال اتاق بازرگانی در تعاملات ایران با بریکس و سازمان همکاری شانگهای

۲. ایجاد دفاتر دائمی تجاری ایران در آسیای مرکزی و قفقاز با مدیریت مشترک دولت و بخش خصوصی.

۳. دیپلماسی اقتصادی فعال با قدرت‌های میانی منطقه مانند ترکیه، هند، عربستان و امارات با منطق پوشش ریسک.

۴. شبکه‌سازی میان اتاق‌های بازرگانی منطقه‌ای برای کاهش هزینه‌های مبادله بدون نیاز به دولت‌ها.

۵. استفاده از ظرفیت بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی برای بازسازی پساجنگ